



جغرافیا و روابط انسانی، بهار ۱۴۰۲، دوره ۵، شماره ۴، صص ۴۰۵-۳۷۰

تبیین عوامل مؤثر بر دگرگونی‌های فرهنگی روستای گچگران در شهرستان ممسنی

هادی اعظمی^۱، سید محمد حسین حسینی^{۲*}، وحید صادقی^۳

۱-دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد و رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران

۲-دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی Mh.hossein25@yahoo.com

۳-دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۷

چکیده

شالوده‌ها و کارویژه‌های فرهنگی جوامع بشری طی زمان و مکان، متحول و مختص به خود می‌شوند، به نحوی که این مجموعه باورها و ارزش‌ها بر شیوه زیست باشندگان آنها تأثیر می‌گذارند. گچگران، جغرافیای زیستی است که در بخش مرکزی شهرستان ممسنی واقع شده و در گذرگاه تاریخ متأثر از عوامل گوناگون، از ابعاد و سویه‌های فرهنگی متکثری برخوردار شده است. خلق فرهنگ و خُرده فرهنگ دیرینه در زیستگاه گچگران و دگردیسی در این ارزش‌ها و ایستارها برآمده از عوامل و سازمایه‌های گوناگون و متنوعی است که موجب پرسش در این پژوهش شده است؟ ماهیت پژوهش ایجاب کرد تا محققین روش تحقیق توصیفی/تحلیلی را برای چگونگی انجام کار برگزینند. درنهایت فرجام بررسی و مطالعه به سبک کتابخانه‌ای/اسنادی (آمار و ارقام) و میدانی (مصاحبه و مشاهده) نشان داد؛ تغییر نگرش نسل جدید، افزایش سطح دانش/آگاهی ساکنان، نوسازی عمرانی/کالبدی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، از جمله عملگرهایی هستند که دگرگونی فرهنگی در آداب و رسوم، سوگواری ماه محرم، اعتقادات مذهبی، ازدواج و طلاق، پوشش، غذا، بازی‌های محلی، طبیعت‌دوستی، گردشگری، مراکز آموزشی/بهداشتی/ورزشی سکونتگاه روستایی گچگران را سبب شده تا جایی که تغییر فرم این روستا به سوی نوسازی فرهنگی را در پی داشته است.

گام بردارد.

واژگان کلیدی: دگرگونی‌های فرهنگی، سکونتگاه‌های روستایی، روستای گچگران و شهرستان ممسنی.



۱. مقدمه

فرهنگ دربرگیرنده شناسه‌هایی همچون باورها، عقاید، خلیات و رفتارها است که ابعاد و حوزه‌های مختلفی نظیر آداب و رسوم، پوشش، غذا و غیره را شامل می‌شود. این شناسه‌ها و ابعاد در هر قلمرو جغرافیایی متفاوت هستند. سکونتگاه‌های روستایی با توجه به کنش انسان‌های مستقر در آنها که از عقاید و باورهای خاصی برخوردارند، معمولاً سبک و سیاق سنتی دارند. اگرچه فرهنگ سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ممسنی به طور عام به یکدیگر مشابهت دارند، ولی با توجه به نوع کنش و باورهای ساکنان، خُرده‌فرهنگ‌هایی را می‌توان در آنها مشاهده کرد. اگرچه خرده‌فرهنگ گچگرانی ذیل فرهنگ ایل ممسنی و کلان‌فرهنگ لُری واقع است که مشابهت و مطابقت چشمگیری با سایر سکونتگاه‌های شهرستان دارد، ولی برخی تفاوت‌های جزئی را می‌توان مشاهده کرد. از سوی دیگر، ابعاد اجتماعی در این سکونتگاه متنوع است، به طوری که بخشی از آنها با مقوله فرهنگ درهم‌تنیده هستند. ابعاد و حوزه‌های فرهنگی سکونتگاه گچگران دربرگیرنده طیفی از آداب و رسوم، سوگواری ماه محرم، اعتقادات مذهبی، ازدواج و طلاق، پوشش، غذا، بازی‌های محلی، طبیعت-دوستی، گردشگری، مراکز آموزشی، بهداشتی و ورزشی است. پژوهش حاضر بر این پرسش متکی است که چه عواملی بر دگرگونی‌های فرهنگی سکونتگاه روستایی گچگران تأثیرگذارند و پیامدهای ناشی از این دگرگونی‌ها چیست؟ به نظر می‌رسد عواملی نظیر تغییر نگرش نسل جدید، افزایش سطح دانش ساکنان، نوسازی عمرانی - کالبدی، ورود فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بر دگرگونی‌های فرهنگی سکونتگاه گچگران تأثیرگذارند و این سکونتگاه روستایی را به سوی نوسازی فرهنگی سوق می‌دهند.

۲. روش تحقیق

پژوهش پیش رو ماهیتی توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف، بن‌مایه‌ای کاربردی/عملی دارد. ابزار گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای/اسنادی و میدانی (مصاحبه و مشاهده) است. مشاهده و حضور در فضای جغرافیایی توسط پژوهشگران طی مدت طولانی و مصاحبه دقیق و منظم با موی‌سپیدان و آگاهان محلی صورت گرفته است. همچنین در این پژوهش از اسناد تاریخی، توصیف‌های بجامانده، عکس‌ها، نقشه‌های معماری، مطالعه مکانی و گشت و گزار اکتشافی در محل استفاده شده است.

۳. پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه پژوهش در سطح شهرستان ممسنی مقالات علمی و پژوهشی گوناگونی را می‌توان در خصوص برخی سکونتگاه‌های روستایی این شهرستان نظیر «فهلین» در فصلنامه‌های مختلف یافت (شمس‌الدینی، ۱۳۸۹: ۹۵-۱۰۷). از جمله کتب موجود در این زمینه، «مهرنجون» نوشته محمد محمودی نورآبادی است. اگرچه کتاب اخیر موفق به کسب

جایزه علمی شده، ولی به نظر می‌رسد رویکرد نویسنده به صورت تک‌بعدی و صرفاً به بیان خاطره شهدای دفاع مقدس معطوف است. این کتاب همچنین فاقد دسته‌بندی علمی موضوعات است (محمودی‌نورآبادی، ۱۳۹۵: ۳۳۶-۱). کتاب دیگر، «بابامنیر» به قلم قاسم طاهری است که به تحولات اجتماعی روستای بابامنیر تا سال ۱۳۹۱ ه.ش پرداخته است. این کتاب تا حدودی توانسته است بخشی از تغییر و تحولات این روستا را به حیث جامعه‌شناسی تبیین نماید، ولی همچنان خلأ ناشی از تبیین بخش‌های اقتصادی، مراکز تولیدی و شاخص‌های جغرافیایی طبیعت‌پایه و انسان‌پایه در آن مشهود است (طاهری، ۱۳۹۲: ۲۵۰-۱). کتاب دیگر، «هرایرز» نوشته ساسان مؤدب و سلیمان حیدری است که به سبک مونوگرافی به رشته تحریر درآمده و زوایای گوناگون تاریخی، فرهنگی و اجتماعی روستای هرایرز را به خوبی بیان کرده است. با وجود این، مطالب از انسجام لازم برخوردار نیست و نوعی آشفتگی در آنها مشهود است (مؤدب و حیدری، ۱۳۹۶: ۱۷۶). با وجود این، در خصوص مقاله پیش‌رو تحت عنوان «عوامل مؤثر بر دگرگونی‌های فرهنگی سکونتگاه‌های روستایی؛ نمونه‌پژوهی: روستای گچگران از توابع بخش مرکزی شهرستان ممسنی» هیچ‌گونه اثری به رشته تحریر درنیامده است. لذا، این مقاله به دلیل تمرکز بر تبیین دگرگونی‌های سکونتگاه گچگران در ابعاد مختلف فرهنگی، از نوآوری برخوردار است.

۴. چارچوب مفهومی

۴-۱. فرهنگ

فرهنگ^۱ پیونددهنده ساختار و کردار اجتماعی است و به عنوان ارزش‌ها، باورها، هنجارها و رفتارها و اشیای مادی که شیوه‌های زندگی مردم را تشکیل می‌دهد، تعریف می‌شود. در واقع فرهنگ حاصل رفتار و کردار انسان‌هایی است که در جامعه زندگی می‌کنند و پلی است مربوط به گذشته ما و نیز راهنمایی است برای آینده ما (ستوده، ۱۳۹۶: ۲۵). ادوارد بورنرد تایلور^۲ در نخستین تعریف واضح از فرهنگ بر این باور است که فرهنگ یک کلیت پیچیده شامل دانش، اعتقاد، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و سایر توانمندی‌ها و خصلت‌های مکتسبه توسط انسان به عنوان عضوی از جامعه است (Haviland, 1999: 36). فرهنگ را به طور معمول، ارزش‌های یک گروه معین (چه محدود چه وسیع) و هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و همچنین کالای مادی که تولید می‌کنند، تعریف کرده‌اند. به عبارتی، فرهنگ را می‌توان به عنوان مجموع ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه خاص، تعریف کرد (بزی، ۱۳۸۶: ۸).

۴-۲. روستا

روستا^۳ در زبان پهلوی باستان، روستاک، رزداق و رسداق نامیده می‌شد و ناحیه‌ای خارج از شهر و مشتمل بر چند ده و مزرعه به شمار می‌آمد که در آن تولید روستایی حاکم بود. این مجموعه فضایی - مکانی بر بنیاد روابط اجتماعی و اقتصادی

1. Culture

2. Edward Burnett Tylor

3. village

خاص و پیوندهای ویژه محیطی - اکولوژیکی، اجتماع معینی را به وجود می‌آورد که می‌توان آن را فضای روستا نامید (افراخته، ۱۳۹۳: ۱۸). بر اساس قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری (۱۳۶۲)، روستا واحد مبدأ تقسیمات کشوری است که از لحاظ محیط‌زیستی (وضع طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) همگن بوده و با حوزه و قلمرو معین ثبتي یا عرفی مستقل که حداقل تعداد ۲۰ خانوار یا ۱۰۰ نفر اعم از متمرکز یا پراکنده در آنجا سکونت داشته باشند و اکثریت ساکنان دائمی آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به یکی از فعالیت‌های کشاورزی، دامداری و باغداری به‌طور اعم و صنایع روستایی و صید و یا ترکیبی از این فعالیت‌ها اشتغال داشته باشند و در عرف به‌عنوان ده، آبادی، دهکده یا قریه نامیده می‌شده است (قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، ۱۳۶۲). امروزه رویکرد چیره در پژوهش‌های روستایی این است که زندگی روستایی را در یک نظام اجتماعی در نظر بگیریم (Woods, 2012: 24-25).

جدول شماره ۱: مفهوم روستا از دیدگاه صاحب‌نظران

صاحب‌نظر	دیدگاه/تعریف
عظیمی	قرار گرفتن محتوای سیاسی - اداری در کنار محتوای واقعی روستا.
ایروانی	کانون تولید مواد غذایی، محل زندگی، تولد و زندگی (حیات).
ثبوت	مجموعه‌ای از یک یا چند مکان و زمین بهم پیوسته بیرون از محدوده شهرها که دارای محدوده ثبتي و عرفی مستقل باشد.
جباری‌لوشیستی	مبدأ تقسیمات کشوری که همگنی زیستی دارد و در فعالیت‌های کشاورزی، صنایع دستی و ترکیبی از آنها شاغل است.
پاپلی‌یزدی	بنیادی‌ترین افراد اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور که توسعه آنها نقشی پایه‌ای در فرآیند توسعه ملی دارد.
فرید	محل تولیدات کشاورزی.
حسینی‌آبری	پهنه‌ای جغرافیایی که معیشت بیشتر آنها از راه داد و ستد میان انسان و عوامل تجدیدپذیر طبیعی فراهم می‌شود.

(پورقیومی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۵).

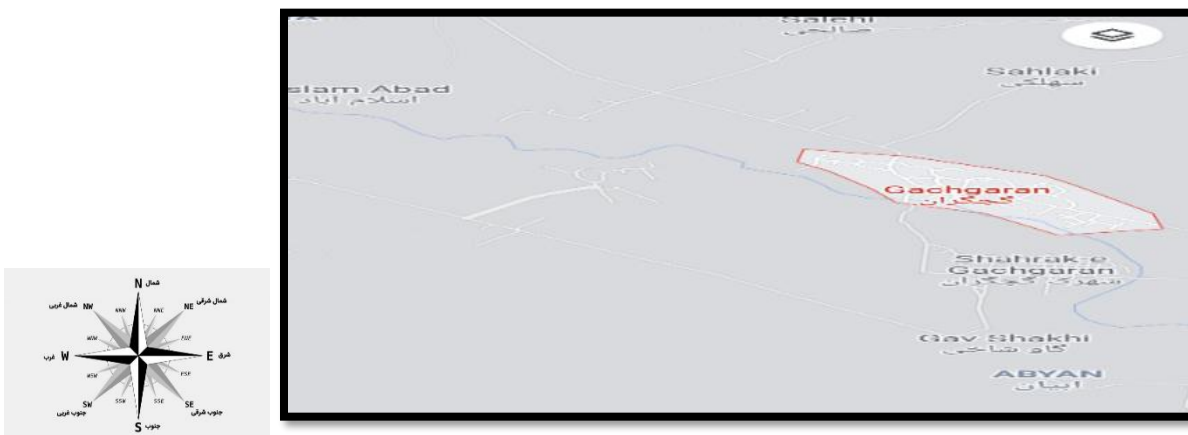
۵. قلمرو پژوهش

سکونتگاه روستایی گچگران^۱ به لحاظ موقعیت جغرافیایی در بخش مرکزی شهرستان ممسنی و مرکز دهستان بکش یک واقع است. این روستا در فاصله ۳/۷ کیلومتری از شهر نورآباد و ۰/۷ کیلومتری از جاده ارتباطی اصلی (نورآباد به قائمیه) قرار دارد (منشی‌زاده و صادقی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). وسعت جغرافیایی این سکونتگاه، ۲۵۰۰۰۰ مترمربع (۲۵ هکتار) و چتر «گچگران پهناور» دربرگیرنده شهرک گچگران و نوبندگان است. مجموع قلمرو جغرافیایی اراضی زراعی گروه‌های هشت - گانه^۲ گچگران و گروه متفرقه، ۳۲۵/۵۵ هکتار است (شرکت تعاونی تولید روستای گچگران، ۱۴۰۰). بر اساس آخرین آمار سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت این سکونتگاه انسانی ۱۴۸۸ نفر است (سالنامه آماری، ۱۳۹۵). این آحاد انسانی دربرگیرنده حدود ۵۵ اولاد بزرگ و کوچک است که همانند قطعه‌های یک پازل در کنار یکدیگر واقع شده‌اند (حسینی، ۱۴۰۰: ۳۴).

^۱ . Gachgaran

^۲ . گروه‌های هشت‌گانه، گروه‌هایی هستند که پس از اصلاحات ارضی توسط شرکت تعاونی تولید روستای گچگران در هشت‌گروه قرار گرفتند تا به امر کشاورزی در اراضی زراعی روستای گچگران بپردازند.

نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی روستای گچگران



(Google Map, 2021)

وجه تسمیه گچگران برگرفته از «گچ» موجود در بستر خاک و متأثر از چشمه آب گرم (اُوگرو) بوده که از فاصله دور به رنگ «سفید» قابل رویت است (میرفتاح، ۱۳۵۶: ۱۸۰). لذا، کندکاو «گچ» موجود در اراضی این سکونتگاه و فروش آن به قیمتی «گران» طی گذشته‌های کهن در اطلاق این دانش‌واژه به آن نقش کلیدی داشته است. در مجموع، وجود رودخانه و جویبارها در اضلاع شرقی، شمالی و جنوبی گچگران، موقعیت این سکونتگاه را به صورت «شبه‌جزیره‌ای» درآورده است. با وجود این، چنین رودخانه‌ها و جویبارهایی قطع‌کننده ارتباطات فضایی سکونتگاه گچگران با سکونتگاه‌های مجاور هستند. به عبارتی، استقرار این رودخانه‌ها و جویبارها به همراه اراضی وسیع کشاورزی در مجاور روستای گچگران، شکل‌گیری یک خلاء جغرافیایی - فضایی میان این سکونتگاه و محله‌های شهر نورآباد را به همراه داشته است. به نظر می‌رسد این پدیده‌های جغرافیایی در متفاوت ساختن نوع مناسبات اجتماعی و سیاسی ساکنان با سایر آحاد انسانی مستقر در شهر نورآباد و همچنین درون‌گرایی در پیوندهای خویشاوندی تأثیرگذار ظاهر شده‌اند (اعظمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۱۲).

تصویر شماره ۱: چشم‌انداز طبیعی روستای گچگران



(تدوین: نگارندگان)

۶. یافته‌های تحقیق

۱-۶. آداب و رسوم

آداب و رسوم فرهنگی روستای گچگران دربرگیرنده شاخص‌های گوناگونی است که از دیرباز در جسم و روح باشندگان این سکونتگاه نقش و نگار بسته است. در رأس آداب و رسوم گچگرانی، «صِلِه رَحِم» قرار دارد. اساساً، انسانِ گچگرانی، خوش‌مَشرب و خوش‌کلام است و به عُزَلت و انزواطلبی رغبت ندارد، بلکه خود را به مثابه کنش‌گری فعال در حوزه‌های مختلف می‌پندارد. از این‌رو، پاسداشت صله‌رحم و پیوندهای خویشاوندی در ذات ایشان است. حضور ساکنان در اقامتگاه هم‌نوعان و خویشاوندان گویای این امر است. اوج این مناسبات را می‌توان در عید نوروز مشاهده کرد که تعامل اجتماعی ساکنان با یکدیگر، بَس شگفت‌انگیز است. از جمله مصادیق این نوع تعامل اجتماعی طی دهه‌های گذشته عبارتند از: خانه‌تکانی منازل قبل از حلول سال جدید، طَبخ آرزاق محلی همچون برنجک، گندمک، نان شیرین (یوخه)، گردآوری دانه محصولات همانند کدو، هندوانه و آفتاب‌گردان از مزارع جهت بکارگیری آنها در تنقلات نوروزی، چیدمان میوه‌های زمستانی در نایلون‌های یکبار مصرف و نگهداری آنها به منظور پذیرایی از مهمانان نوروزی، تهیه سبزه برای سفره عید و گِرِه‌زدن آنها به یکدیگر در روز ۱۳ به در و ره‌ساختن‌شان در مسیل رودخانه‌ها و جویبارها جهت گشایش آرزوها و حاجات (به ویژه گشایش بخت بانوان).

به لحاظ سیر تاریخی، صله‌رحم شهروندان گچگرانی تا اواخر دهه ۱۳۸۰ه.ش در سطح فوق‌العاده‌ای قرار داشت. با وجود این، نوسازی عمرانی این سکونتگاه که دگرگونی‌های کالبدی و تغییر شکل و سیمای منازل، جاده‌ها و کوچه‌ها را به دنبال داشت، را می‌توان به عنوان نخستین شاخص در تنزل سطح آداب و معاشرت اجتماعی ساکنان قلمداد کرد. از سوی دیگر، فضای مجازی همانند دیگر سکونتگاه‌های بخش مرکزی شهرستان ممسنی، فضای اجتماعی روستای گچگران را در ابتدای دهه ۱۳۹۰ه.ش درنوردید و دژ مستحکم فرهنگ عشیره‌ای و صله‌رحم را عمیقاً تحت الشعاع قرار داد. نمونه بارز این دگرذیسی اجتماعی را می‌توان در گرایش نسل نوجوان به گذران اوقات در نرم‌افزارهای فضای مجازی (تلگرام، واتس‌آپ

و اینستاگرام) یافت که مهم‌ترین پیامد آن تمایل به روحیه فردگرایی و کاهش سطح مناسبات اجتماعی با خویشاوندان است.

عامل دیگر در کاهش سطح تعاملات اجتماعی ساکنان این سکونتگاه انسانی را می‌توان در شرایط و اقتضات اقتصادی جستجو کرد. شهروندان این روستا تا اواخر دهه ۱۳۸۰ه.ش به واسطه مدیریت امور دام و کشاورزی از یکسو و ارزان‌قیمت بودن کالاها و اجناس از سوی دیگر، ضمن خودکفایی اقتصادی قادر به حضور چم‌شگیر در منازل هم‌نوعان و برگزاری مهمانی‌های پی‌درپی بودند که در تقویت پیوندهای خویشاوندی ساکنان نقش بسزایی داشت. با وجود این، وقوع نابسامانی‌های اقتصادی در دهه ۱۳۹۰ه.ش، از سطح مناسبات و تعامل اجتماعی ساکنان این سکونتگاه فروکاست. در مجموع، به نظر می‌رسد دگرگونی «فضایی و کالبدی» سکونتگاه گچگران به همراه دو عامل «فضای مجازی» و «نوسانات اقتصادی»، مثلث تضعیف سطح مناسبات اجتماعی و صله‌رحم را در این سکونتگاه را تشکیل دادند. وقوع بحران کرونا (۱۳۹۸ه.ش) نیز آخرین ضربه را بر پیکر این نوع مناسبات وارد ساخت و انسان گچگرانی را علی‌رغم ذات خوش‌مشرَب خود، در لاک دفاعی و انزوای طلبانه فروبرد (مشاهده میدانی نگارندگان، ۱۴۰۰).

دومین شاخص آداب و رسوم سکونتگاه گچگران، «اجتماعی بودن»^۱ است. انسان گچگرانی از بدو تولد تا مرگ، خود را جزئی از اجتماع می‌داند که تافته جدا بافته از دیگران نیست. با توجه به اینکه مفهوم اجتماعی بودن نزد این انسان به منزله حضور «فعال» و «دائمی» در جامعه است، مشارکت در مناسبات اجتماعی یکدیگر مورد عنایت ایشان قرار دارد و نگرش آنان در قبال حضور چشمگیر افراد در این نوع مناسبات، همواره مثبت است. از جمله مصادیق این امر، مراسم سوگواری و جشن‌های شادی و ازدواج در روستای گچگران است، به طوری که خوش‌درخشیدن افراد در این مناسبات‌ها به منزله حفظ جایگاه اجتماعی خود نزد ساکنان است. این مسأله در مراسم خاکسپاری و کفن و دفن اموات شایع‌تر است. در این میان، مسجد و گلزار شهدای روستای گچگران را می‌توان مظهر تعیین سرنوشت اجتماعی افراد قلمداد کرد. بر این اساس، طی بازه زمانی برگزاری مراسم اموات در این اماکن، حلقه‌های متعددی را می‌توان یافت که به نظر می‌رسد بر اجتماعی بودن افراد تأثیر شگرفی دارند. حلقه نخست دربرگیرنده «خانواده صاحب‌عزا» است. این حلقه درون مسجد (حسینه جدید) روستای گچگران واقع است و متشکل از سه یا چهار نفر از وابستگان درجه یک میت بوده که وظیفه پایداری دائم در صحنه تا پایان مراسم را بر عهده دارد. برگزاری منظم مراسم توسط خانواده صاحب‌عزا، تحسین اطرافیان را به همراه دارد و از آنها به مثابه افراد صاحب‌شأن و منزلتی یاد می‌شود که از قوای مدیریتی مراسمات برخوردارند. دومین حلقه، «خَدَم و حَسَم»^۲ است. این حلقه که اطرافیان و خویشاوندان صاحب‌عزا را تشکیل می‌دهند، وظیفه استقبال و بدرقه مشارکت‌کنندگان در مراسم را برعهده دارند. به‌طور کلی، سه گروه عمده را می‌توان در این حلقه شناسایی کرد:

^۱ . Socialness

^۲ . اطرافیان .

الف) متنفذین محلی: این گروه حضور دائم در مراسمات را وظیفه ذاتی خود می‌پندارند و معمولاً وظیفه دریافت لیست وجوه و مبالغ مربوط به مراسمات را برعهده دارند؛ **ب) کارگزاران اداری:** این گروه به منظور حفظ جایگاه و پرستیژ اجتماعی خود، با پوشش درخور (کت و شلوار) در صحنه حضور دارند؛ **ج) موی سپیدان و بزرگان:** این گروه جهت ممانعت از هرگونه خلأ مدیریتی، در صحنه حضور دارند و در مقابل مهمانان مُنتسب به سایر طوایف و سکونتگاه‌ها نقش آفرینی می‌کنند. سرانجام، سومین حلقه، «تیم تدارکات» است. این تیم متشکل از خویشاوندان صاحب‌عزا است و وظیفه تأمین تجهیزات و وسایل مورد نیاز را برعهده دارند (مشاهده میدانی نگارندگان، ۱۴۰۰).

از سوی دیگر، گلزار شهدای گجگران دومین مکان اجتماعی بودن تلقی می‌شود. ساکنان این سکونتگاه در هنگام خاکسپاری اموات در این بهشت‌زهرها حضور چشمگیری دارند و ضمن مساعدت به خانواده صاحب‌عزا، در استقبال و بدرقه حُضار نقش بسزایی ایفاء می‌کنند. ساکنان گجگران با درک جایگاه والای فرهنگی و اجتماعی خود، پس از خاکسپاری میت، احساس مسئولیت کرده و سریعاً گذرگاه عریض و طویلی در دو سوی ضلع شرقی بهشت‌زهرها تشکیل داده و تشریفات بدرقه مشارکت‌کنندگان را به عمل می‌آورند. با توجه به شیوع ویروس کرونا، مراسم چهلم و سالگرد اموات در این بهشت‌زهرها (به جای مسجد روستا) برگزار می‌شود و روستای گجگران میزبان موی سپیدان طوایف گوناگون به ویژه تیره بابر سالار است.

شایان ذکر است که زنان به همراه مردان در این مراسمات (اعم از مسجد و بهشت‌زهرای روستا) حضور چشمگیری دارند. ابراز عواطف و احساسات زنان نسبت به مردان دوچندان و آه و ناله آنان در سوگ اموات خود مشهود است که از آن تحت‌عنوان محلی «لیکه^۱» یاد می‌شود و تمام حضار را میخ‌کوب و متأثر می‌سازد. مراسم «تلقین میت» نیز برای اموات برگزار می‌شود. علاوه بر این، مراسم «شروه‌خوانی^۲» تا اواخر دهه ۱۳۸۰ ه.ش در این روستا پابرجای بود، ولی طی دهه ۱۳۹۰ ه.ش این وظیفه به مداحان محول شد. بُرش گیسوان تحت‌عنوان «پَل» توسط زنان صاحب‌عزا تا قبل از انقلاب اسلامی، پوشیدن لباس سیاه به مدت چهل‌روز تا سال ۱۳۶۱ ه.ش، نواختن طبل برای فوت جوانان تا اوایل دهه ۱۳۸۰ ه.ش و مُنور ساختن قبور با استفاده از شمع و چراغ چَملی (پنجشنبه‌شب‌ها) تا اواخر دهه ۱۳۹۰ ه.ش از دیگر الگوهای رفتاری ساکنان در قبال اموات بوده که به تدریج نَحیف شد. علاوه بر این، هرگونه تماشای تلویزیون در شرایط فوت هم‌نوعان تا اوایل دهه ۱۳۸۰ ه.ش رفتاری ناپسند انگاشته می‌شد و برگزاری مراسم‌های عروسی خویشاوندان برای مدت زمان طولانی (سالگرد) به تأخیر می‌افتاد و از آن تحت عنوان «پَند^۳» یاد می‌شد. خروج از پند، پس از یکسال و به واسطه حضور یک یا دو نفر از بانوان خویشاوند در منزل صاحب‌عزا صورت می‌گرفت. به این معنا که با تحویل یک عدد لباس و روسری (رنگ روشن) به ایشان، خواستار پایان دادن وی به غم و اندوه خود می‌شدند. آراستگی ظاهری مردان نیز سه روز پس از رحلت اموات توسط سلمانی صورت می‌گرفت. با وجود این، چنین آداب و رسومی در دهه ۱۳۹۰ ه.ش منسوخ گردید و

^۱ پرتاب نوعی صدای غم‌انگیز از حنجره زنان به بیرون.

^۲ نوعی آوای حزن‌انگیز توسط زنان.

^۳ نوعی آداب و رسوم مبنی بر پوشیدن لباس سیاه توسط زنان و عدم برگزاری هرگونه جشن عروسی و عدم شرکت در مراسمات شادی.

صاحبان عزا در روز خاکسپاری میت، موافقت خود را با هرگونه برگزاری جشن عروسی توسط خویشاوندان و متعاقباً خروج آنها از پند پس از چهلمین روز درگذشت اموات اعلام داشتند. علاوه بر این، موی سپیدان گچگرانی با طراحی یک طومار و اخذ امضاء از ساکنان در سال ۱۴۰۰ ه.ش مبنی بر صرف هزینه اندک در قبال مراسم اموات (خودداری از دعوت مداح، استفاده از ضبط صوت به جای مداح، عدم خرید دسته گل گران قیمت و پذیرایی بی‌آلایش از حضار) تحول شگرفی در این زمینه خلق نمودند. با وجود این، سیر تحول سنگ قبور اموات روستای گچگران نشان می‌دهد که قبور سنگی گمنام تا اواخر دوره قاجاریه به صورت درج نام اموات بر روی قبور طی دوره پهلوی تا دهه ۱۳۹۰ ه.ش تغییر یافته است. نصب سنگ قبور اموات به سبک و سیاق مدرن (همانند قطعه لاکچری هنرمندان و نام‌آوران بهشت‌زهای کلانشهر تهران) و صرف هزینه گزاف در بهشت‌زهای این روستا در سال ۱۴۰۰ ه.ش هویدا شد (مشاهده میدانی نگارنده، ۱۴۰۰).

از طرف دیگر، در خصوص جشن‌های شادی باید اشاره کرد که ساکنان گچگران حضور باشکوهی در این نوع مراسم‌ها دارند و در تلاش هستند تا به صورت فعالانه در جشن ازدواج هم‌نوعان خود که محل گردهمایی اجتماعی خویشاوندان، دوستان و آشنایان است، درخشان ظاهر شوند. لذا، این جشن‌ها به منزله اجتماعی شدن انسان گچگرانی محسوب می‌شوند و به شخصیت وی شکل می‌دهند. نوع پوشش و آراستگی ظاهری در این جشن‌ها تأثیر شگرفی بر شکل‌گیری نگرش انسان‌ها در قبال اجتماعی شدن افراد دارد. یکی دیگر از جشن‌ها، برگزاری جشن تولد است که طی دهه ۱۳۹۰ ه.ش در اقصی نقاط شهرستان ممسنی از جمله سکونتگاه گچگران برجسته و به مثابه مکانی برای تعامل خویشاوندی و اجتماعی افراد قلمداد شد. به دلیل شیوع ویروس کرونا طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۸ ه.ش، جشن‌های ازدواج و تولد همانند سبک و سیاق گذشته برگزار نگردید (مشاهده میدانی نگارندگان، ۱۴۰۰).

در مجموع، حضور در هر یک از مکان‌های مذکور (مسجد، بهشت‌زها، تالار عروسی و غیره) به فرآیند اجتماعی شدن ساکنان گچگران شکل می‌دهد. بر این اساس، نخبگان گچگرانی تبار سعی می‌کنند در این حلقه‌ها جای گیر شوند تا ضمن اخذ برچسب اجتماعی بودن، مورد نکوهش موی سپیدان واقع نشوند. کاربست گزاره‌هایی همچون «بِجَه خِته مِن ای مراسمَل نِشون بره تا یکی بشناست»^۱ بیانگر جهانبینی ساکنان در قبال این دسته از نخبگان است. عدم حضور در این مراسمات، بعضاً دل‌چرکینی صاحب‌عزا را به همراه خواهد داشت و اشخاص خویشاوندی که به هر دلیلی در این مراسمات مشارکت نداشته باشند، مورد اعتنای ایشان قرار نمی‌گیرند. در چنین شرایطی، خویشاوندان سعی می‌کنند به هر طریق ممکن، حضور فعالی در مراسم‌ها داشته باشند تا مایه کدورت خاطر صاحب‌عزا نشوند. چنین دیدگاه و نگرشی حتی در شرایط شیوع ویروس کرونا طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۸ ه.ش، در میان ساکنان مشهود بوده است. عبارت «هالو جونی چل کرنا هم بوهه،

۱. بچه جان، در مراسمات حضور فعالی داشته باش تا دیگران وابستگی هویتی و خویشاوندی تو را بدانند.

بیو تا بریم من مراسم شرکت کنیم، اگر نریم، صُب بامون و پوز وِ بِن^۱ بیانگر این امر است (مشاهده میدانی نگارندگان، ۱۴۰۰).

۶-۲. سوگواری ماه محرم

ساکنان سکونتگاه گچگران علاوه بر سوگواری برای رحلت خویشاوندان، به سوگواری ماه محرم عنایت ویژه‌ای دارند. ساکنان، این نوع سوگواری را در چارچوب هیأت عزاداری انجام می‌دهند. هیأت عزاداری روستای گچگران نخستین هیأت عزاداری شهرستان ممسنی محسوب می‌شود که پیشینه تأسیس آن به سال ۱۳۸۵ ه.ش توسط «حاج عیوض خورشیدی» و «کربلایی منصور ضرغامی» برمی‌گردد. علی‌رغم ممانعت دولت پهلوی از برگزاری تعزیه ماه محرم طی سال‌های ۱۳۲۲-۱۳۱۵ ه.ش، هیأت گچگران به برپایی تعزیه پرداخت. این هیأت تا سال ۱۳۴۸ ه.ش در رأس تیره بابر سالار به منظور برگزاری مراسم روز عاشورا رهسپار امامزاده درب‌آهنی در قلمرو تیره عمله شد، ولی به دلیل بازساخت منازعات دیرینه تیره‌های عمله و بابر سالار، به سوی امامزاده محمد روستای سنگر تغییر مسیر داد. با وجود این، مناقشات دیگری میان هیأت‌های عزاداری روستاهای گچگران و رازیانه‌کاری در روز عاشورا (۱۳۷۵ ه.ش) به وقوع پیوست. بر این اساس، هیأت گچگران ضمن تکریم موی سپیدان تیره بابر سالار، با عنایت به قبور شهدا در گلزار شهدای گچگران، روزهای تاسوعا و عاشورا را در روستای خود برگزار نمود (مصاحبه با هیأت امنای عزاداری روستای گچگران، ۱۴۰۰).

باید اشاره کرد که هیأت عزاداری گچگران بر بنیاد محدودیت فضای جغرافیایی، در سال ۱۳۷۵ ه.ش به دو هیأت ابالفضل (ع) در مال‌دومن و هیأت امام‌حسین (ع) در مال‌بالا تقسیم شد. این هیأت‌ها طی ده شب محرم به برگزاری عزاداری به صورت مجزا می‌پردازند و در روزهای تاسوعا و عاشورا در یکدیگر ادغام می‌شوند. متعاقباً با طی کردن مسیر روستا از میدان حضرت ابالفضل تا مجموعه ورزشی کارگران گچگران، یکپارچگی خود را به منصف ظهور می‌گذارند. روزهای تاسوعا و عاشورا به دلیل گردهمایی گچگرانی‌ها (مستقر در روستا و اتباع مقیم کلانشهرها) نماد همدلی سکنه این روستا است. مراسم تعزیه صرفاً محدود به گچگرانی‌تبارها نیست، بلکه جمعیت کثیری از روستاهای همجوار و اقصی نقاط شهرستان ممسنی جهت نظاره این تعزیه رهسپار گچگران می‌شوند. با وجود این، به دلیل شیوع ویروس کرونا، عزاداری ماه محرم طی سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۹ ه.ش در روستای گچگران با رعایت پروتکل‌های بهداشتی (ماسک، دستکش، رعایت فاصله اجتماعی، عدم توزیع شربت و شیرینی) برگزار گردید، ولی با توجه به احتمال سرایت ویروس به انسان‌ها، روز عاشورا صرفاً به برگزاری مراسم زنجیرزنی محدود شد و تعزیه برگزار نگردید.

شایان دقت است که در هیأت عزاداری روستای گچگران، گروه‌های متعددی به ایفاء نقش می‌پردازند. به طور کلی، شش حلقه مدیریتی (هیأت‌امنا)، اجرایی (نظارتی و انتظامات)، عزاداری (زنجیرزنی، نوحه‌خوانی، طبال و سنج‌زنی)، نذورات، تعزیه‌گردانی و رسانه‌ای در راه‌اندازی هر دو هیأت گچگران نقش دارند که قشربندی اجتماعی را هویدا می‌سازند. حلقه

^۱. دایی جان، علی‌رغم شیوع ویروس کرونا، بیا در مراسم ختم فلان میت شرکت کنیم؛ چراکه اگر شرکت نکنیم، خانواده صاحب‌عزا از این به بعد به ما اعتنا نخواهد کرد.

مدیریتی به مدیریت و تدوین دستورالعمل برگزاری منظم عزاداری می‌پردازد. به عبارتی، این حلقه چندین روز قبل از برگزاری ماه محرم، از طریق شور و مشورت با یکدیگر تصمیمات بنیادین را اتخاذ می‌نماید که تا پایان روز عاشور عملیاتی می‌گردد. حلقه دوم، اجرایی (نظارتی و انتظامات) است. این حلقه بر فضای جغرافیایی میدان‌های امام حسین و ابوالفضل جهت برافراشتن بیرق بر فراز عَلمِ مستقر در این میدان‌ها نظارت می‌کند و در طول ده‌شب برگزاری محرم، ژرف‌بینی لازم را به منظور ساماندهی عزاداری به عمل می‌آورد و با تحرک در میان دسته‌های عزاداری، انسجام هیأت را دوچندان می‌سازد. این حلقه در ایجاد نظم و ثبات در طول حرکت دستگاه هیأت عزاداری به سوی مجموعه ورزشی کارگران (محل برگزاری تعزیه و زنجیرزنی روزهای تاسوعا و عاشورا) نقش‌آفرینی می‌کند (مشاهده میدانی نگارندگان، ۱۴۰۰).

حلقه سوم، عزاداری است. در این حلقه، عزاداران به صورت خودجوش وارد هیأت می‌شوند و با تشکیل صفوف گوناگون به عزاداری می‌پردازند. نخستین گروه در این حلقه، زنجیرزنی است. صفوف زنجیرزنی معمولاً در هر دو هیأت گچگران متشکل از دو تا چهار صف است که در شب‌های آخر محرم بر تعداد آنها افزوده می‌شود. صفوف زنجیرزنی این هیأت‌ها دربرگیرنده اقشار اجتماعی گوناگونی است، به طوری که برخی از صف‌ها مختص به موی‌سپیدان و بزرگان روستا، برخی منحصر به کارگزاران محلی (کارمندان و رؤسای نهادهای اداری) و برخی هم متشکل از جوانان پُرشور است. بر این اساس، موی‌سپیدان به پاسداشت سنت و مذهب، کارگزاران به حفظ پرستیژ اجتماعی و جوانان به نمایش شور و شَعَفِ حسینی عنایت دارند. دومین گروه در حلقه عزاداری، نوحه‌سرایی است که نقش بسزایی در گرم نگه داشتن محفل عزاداری دارد و با صدای رَسا و باشکوه، شور و شوق را بر دسته زنجیرزنی حکمفرما می‌سازد. سومین گروه در این حلقه، طبال و سنج‌زنی است. برخی از افراد طبال در حاشیه میدان امام حسین به نواختن طبل می‌پردازند که از آن تحت عنوان «تول» یاد می‌شود. عده‌ای از گروه‌های طبال نیز در میانه میدان هیأت‌های امام حسین و ابوالفضل با به صدا درآوردن طبل‌های بزرگ، سنج و دَمام‌های محلی تحت عنوان «دام‌دامِ چِکلی»، مراسم عزاداری را بیش از پیش باشکوه می‌سازند. این حلقه، روح و عَلقه عاشورایی را در میان عزاداران دوچندان می‌سازند. حلقه عزاداری هیأت امام حسین (نوحه‌خوان به همراه طبال و دسته عزاداری) از شب ششم به بعد، از میدان امام حسین به سوی کوچه سادات روستای گچگران راهپیمایی می‌کنند و سپس مجدداً به سوی این میدان بازمی‌گردند (مشاهده میدانی نگارندگان، ۱۴۰۰).

حلقه چهارم، نذورات است. ساکنان روستای گچگران طی روزهای مختلف ماه محرم، نذورات خود را توزیع می‌کنند. توزیع سالیانه نذورات توسط اشخاص در روزهای خاص این ماه، باعث الصاق برجسب نذری همان روز به همان اشخاص شده است. به این معنا که ساکنان نسبت به برگزاری نذری هر کدام از نذری‌دهندگان در یک روز مشخص، مطلع هستند. این نذورات شامل طَبخ مواد غذایی، دعوت افراد به منزل و یا توزیع در ظروف یکبارمصرف میان عزاداران است. علاوه بر این، برخی نذورات در حین عزاداری در میان صفوف زنجیرزنی توزیع می‌شود. ساکنان گچگران روحیه عاشورایی و نذورات خود را تا روز اربعین حسینی حفظ می‌کنند. در این روز، متولیان امر با گردآوری مبالغی از خیرین روستا، وسایل

مورد نیاز نذری را تهیه می‌کنند و از طریق همکاری و همیاری یکدیگر به پخت و پز غذا به توزیع آن در میان ساکنان روستا می‌پردازند. توزیع این نذورات در روز اربعین تجلی یکپارچگی و وحدت روستای گچگران در چارچوب عزاداری ماه محرم است (مشاهده میدانی نگارندگان، ۱۴۰۰).

تصویر شماره ۲: نذری ماه محرم روستای گچگران



(تدوین: نگارندگان)

حلقه پنجم، تعزیه‌گردانی است. این حلقه متشکل از هر دو هیأت روستای گچگران است که مدت‌ها قبل از ایام ماه محرم به تعریف وظایف و نقش‌های هر یک از افراد، خطبه‌ها و نطق‌های آنها می‌پردازند. دشوارترین بخش عزاداری ماه محرم بر عهده این حلقه است؛ چراکه الگوی سواره‌نظام (شاه، وزیر، شمر، نصرانی، شیر) و پیاده‌نظام (سقا، طفل، کفن‌پوش) را با بهره‌جویی از نیروهای انسانی داوطلب در روستا و بهره‌گیری از اسب (پرورشی ساکنان روستا) و شتر (وارداتی از منطقه میشان) کارگردانی می‌کند. ساکنان گچگران، از درهم‌تنیدگی صفوف زنجیرزنی و تعزیه‌گردانی در روز عاشورا تحت عنوان «دستگاه» یاد می‌کنند. نطق کارگردان و مسئولان اجرایی، نظارتی و انتظامات هیأت خطاب به افراد مؤهل نظم، مبنی بر «بچه جلو دستگانه نگر» گویای کاربرد این اصطلاح در میان ساکنان است.

تصاویر شماره ۳ و ۴: تعزیه عاشورا در روستای گچگران



(تدوین: نگارندگان)

^۱. بچه جان، در مسیر دستگاه عزاداری قرار نگیرد و مانع از حرکت رو به جلوی آن نشود.

علاوه بر تدارکات روز تاسوعا (تهیه حجله یا هودج، کجاوه، لباس‌های رزم‌آوران، گهواره حضرت علی اصغر، فضا سازی میدان و مکان تعزیه) و عاشورا، باشکوه‌ترین و زیباترین تعزیه را می‌توان در شب شام‌غریبان (خاموش کردن لامپ‌ها، روشنایی فضا با استفاده از شمع‌ها در اطراف میدان و بر روی دیوارها به منظور اجابت حاجات و آرزوها)، نظاره کرد (مشاهده میدانی نگارندگان، ۱۴۰۰).

تصویر شماره ۵: برگزاری تعزیه شام‌غریبان در روستای گچگران



(تدوین: نگارندگان)

حلقه ششم، رسانه‌ای است. این حلقه وظیفه پوشش خبری عزاداری در روستا را برعهده دارد و از طریق عکاسی و فیلم‌برداری دقیق و با ظرافت، نقش بسزایی در شناساندن فرهنگ عاشورایی روستای گچگران در سطح شهرستانی و استانی ایفاء می‌کند. مستند «از کربلا تا اسارت»^۱، سیمای عاشورایی گچگران را به تصویر کشیده است. در مجموع، هیأت امنای هیأت‌های عزاداری امام حسین (ع) و ابالفضل (ع) و توده مردم سکونتگاه گچگران نقش بسزایی در پاسداشت این نوع فرهنگ و آداب و رسوم مذهبی دارند.

۳-۶ اعتقادات و مراکز مذهبی

به طور کلی، اعتقادات مذهبی در جامعه ایرانی چشمگیر است. این نوع اعتقادات طی دهه‌های گذشته در سکونتگاه گچگران رایج بوده است که از جمله آنها عبارتند از: صلوات فرستادن و تأخیر در انجام کارها به هنگام عطسه (و ادامه کار در صورت دو عطسه مکرر)، باز کردن شیر آب یا حضور در بستر رودخانه کتی هنگام روئیت خواب‌های دهشتناک، گشودن بخت ازدواج برخی جوانان نزد طالع‌بین، قرار دادن آهن در گُل گاوزبان جوشانده و سپس نوشیدن آن جهت دفع

^۱. کارگردان این مستند، یاسر خورشیدی است.

موجودات ماورائی، عدم مراجعه به پزشک در روزه‌های شنبه به عنوان روز اول هفته به دلیل «وآپس^۱» یا «بازگردانی»، و تلاش برای عدم مواجهه با برخی افراد بدشگون در صبح علی‌الطولوع (مصاحبه با موی‌سپیدن روستای گچگران، ۱۴۰۰). از طرف دیگر، مراکز مذهبی در سکونتگاه گچگران را می‌توان در چارچوب پایگاه مقاومت بسیج، انجمن اسلامی، قبور شهدا، مسجد (حسینیه) و اقدامات خودجوش مذهبی تبیین کرد. پایگاه مقاومت «شهیدمدنی» گچگران به عنوان اولین پایگاه مقاومت روستایی در سطح شهرستان ممسنی در سال ۱۳۵۸ ه.ش تأسیس گردید. این پایگاه در آموزش نظامی و عقیدتی نیروهای بسیجی برای اعزام به جبهه جنگ نقش بسزایی ایفاء نمود. پس از پایان جنگ تحمیلی هشت‌ساله عراق علیه ایران نیز این پایگاه تا اواخر دهه ۱۳۹۰ ه.ش به اقداماتی نظیر کنترل و پایش محیط‌های ورودی و خروجی روستا، برگزاری کارگاه‌های آموزشی نظامی و رزمی، صدور کارت بسیجی فعال، تشکیل حلقه صالحین، شرکت در اردوگاه‌های نظامی، جشنواره‌های فرهنگی و ورزشی پرداخت (مصاحبه با رؤسای پایگاه مقاومت شهید مدنی گچگران، ۱۴۰۰).

از سوی دیگر، انجمن اسلامی روستای گچگران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تأسیس گردید و علاوه بر فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی به اقدامات عمرانی پرداخت. این انجمن تا بازه زمانی آغاز فعالیت شورای اسلامی روستا (۱۳۷۷)، فعالیت داشت. از این برهه زمانی، فعالیت انجمن اسلامی گچگران با رکود مواجه شد و صرفاً پایگاه مقاومت بسیج شهید مدنی به کُنش‌گری ادامه داد. از سوی دیگر، قبور شهدا که نماد ارزش‌های دینی و مذهبی به شمار می‌رود، در گلزار شهدای روستای گچگران واقع است. این گلزار دربرگیرنده شهدای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و همچنین تعدادی از شهدایی است که ضمن خدمت در نهادهای دولتی و نظامی به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. قبور این شهدا در گلزار شهدای گچگران نماد روحیه رشادت‌طلبی و ایثار ساکنان این سکونتگاه به شمار می‌رود.

جدول شماره ۲. شهدای روستای گچگران

نام شهدا	محل شهادت	تاریخ شهادت
شهید ظاهر دهقان	گیلان‌غرب	۱۳۶۰/۱۰/۴
شهید سید محمود هاشمی	جبهه جنوب	۱۳۶۴/۴/۱۶
شهید بهمن بهمردی	فاو	۱۳۶۵/۳/۱۵
شهید غلامحسین میرزایی	شلمچه	۱۳۶۷/۲/۱۱
شهید کرم‌اله خلیلی	دهلران	۱۳۶۷/۴/۲۲
شهید سید ناصر حسینی	حین مأموریت رانندگی	۱۳۶۷/۹/۲۹

(تدوین: نگارندگان)

^۱ ساکنان بر این باورند که مراجعه به مطب پزشک در روز شنبه به مراجعه مکرر در سایر روزهای هفته منجر خواهد شد. لذا، اصطلاح واپس یا بازگردانی را در قبال آن بکار می‌برند.

یکی دیگر از مراکز مذهبی گچگران، حسینیه و مسجد است. این حسینیه از دو بخش مردان و زنان تشکیل شده است. ساکنان روستا با حضور در این حسینیه، نمازهای یومیه را با حضور امام‌جماعت برگزار می‌کنند. برخی از خیرین روستای گچگران بر بنیاد عرق دینی و مذهبی خود به اقداماتی نظیر راه‌اندازی کاروان‌های زیارتی مشهد مقدس برای اهالی روستا و تاسیس صندوق خیریه در روستا پرداخته‌اند. علاوه بر این، برخی از خیرین گچگرانی به صورت خودجوش، به فقرای این روستا کمک مالی نموده‌اند.

۶-۴. ازدواج و طلاق

جشن‌های عروسی^۱ و ازدواج در شهرستان ممسنی همواره با جلال و شکوه خاصی برگزار می‌شوند. روستای گچگران در زمینه برگزاری این نوع جشن، شکوهمند ظاهر شده است. به طور کلی سه مرحله قبل، حین و بعد از عروسی در این سکونتگاه رایج است. مرحله نخست (قبل از برگزاری عروسی) طی شدن فرآیند ازدواج است. طی دهه‌های گذشته، نخستین اقدام مشورت دسته‌جمعی خانواده داماد جهت برگزیدن یک بانو بود. این بانو بیش از آنکه منتخب شخص داماد باشد، ماحصل حلقه مشورتی خانواده به ویژه پدر و یا فرزند (پسر) ارشد، پس از رحلت پدر بود. از این حیث، ازدواج‌های خویشاوندی به وفور در سکونتگاه گچگران رایج بود، به طوری که هنگام تولد پسرعمو و دخترعمو، اصطلاح «ناف‌برون» در قبال آنها استعمال می‌شد. به این معنا که آنها هنگام رسیدن به سن قانونی، به صورت جبری و گریزناپذیر، به ازدواج با یکدیگر متعهد بودند. اگرچه پس از وقوع انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ه.ش) این نوع ازدواج‌ها تا حدودی نحیف گردید، ولی در دهه ۱۳۹۰ ه.ش مواردی از این نوع ازدواج هویدا شد. برخی ازدواج‌ها نیز مبتنی بر «خون‌بس» بود. این نوع ازدواج پس از منازعه میان دو طایفه یا تیره صورت می‌گرفت. به این معنا که کشته شدن یکی از طرفین، ازدواج دختری از خانواده قاتل با پسری از خانواده مقتول را به همراه داشت. این نوع ازدواج تا اواخر دهه ۱۳۶۰ ه.ش در سکونتگاه گچگران رایج بوده است. ازدواج دیگر، «گا و گاو» بود. بر این اساس، یک خواهر و برادر از یک خانواده با خواهر و برادری از خانواده‌ای دیگر ازدواج می‌کردند که تا دهه ۱۳۸۰ ه.ش در سکونتگاه گچگران مشهود بوده است. از سوی دیگر، دامنه وصلت و انتخاب نامزد توسط افراد تا اجرای اصلاحات ارضی (۱۳۴۱ ه.ش)، بیشتر به قلمرو جغرافیایی خود معطوف بود و ازدواج‌های برون‌تیره‌ای و برون‌طایفه‌ای به ندرت صورت می‌گرفت که مهم‌ترین پیامد آن درون‌گرایی، انزواطلبی و هم‌آوردی با سایر تیره‌ها و طوایف بود. اگرچه طی سال‌های پس از اصلاحات ارضی و انقلاب اسلامی، سطح مراودات اجتماعی سکونتگاه گچگران با شهر نورآباد و سایر طوایف دوچندان شد، ولی همچنان درون‌گرایی در امر ازدواج یعنی ازدواج با هم‌نوعان سکونتگاه خود و یا سکونتگاه‌های ذیل چتر حمایتی تیره بابرسالار در میان ساکنان مشهود بود. در این چارچوب

^۱ . Wedding Ceremony

می‌توان به برقراری پیوندهای خویشاوندی عمیق میان سکونتگاه‌های گچگران و رازیانه‌کاری به واسطه ازدواج‌های متعدد طرفین طی دهه‌های گذشته تا کنون اشاره کرد (مصاحبه با موی‌سپیدان روستای گچگران، ۱۴۰۰).

پس از توافق دسته‌جمعی خانواده داماد، مراسم خواستگاری در دستورکار قرار داشت. بر این اساس، کدخدای روستا و چندین نفر از موی‌سپیدان رهسپار منزل بانوی مورد نظر می‌شدند و با والدین وی به طرح موضوع خواستگاری می‌پرداختند. بر این اساس، خانواده دختر با درخواست زمان به ارزیابی خواستگار می‌پرداخت. تحت این شرایط، «دختر» با توجه به اقتدار «پدر» و خویشاوندان درجه یک از اختیار چندانی در این خصوص برخوردار نبود. لذا، پدر با دعوت از خویشاوندان به اقامتگاه خود، نقطه‌نظرات آنها را به عنوان «صَلاح‌ریش» دریافت می‌کرد. اگرچه این شیوه به معنای تکریم بزرگان و خویشاوندان بود، ولی سلب اختیار از بانوان به منظور حق انتخاب شوهر آینده خود را به همراه داشت. در مجموع، خانواده دختر در صورت اعلام رضایت، پس از چند روز تا چند هفته، پاسخ مثبت خود را به خانواده خواستگار ارسال می‌کرد. بر این اساس، فاز دوم خواستگاری تحت عنوان «کدخداکشونی» صورت می‌گرفت. موی‌سپیدان و خویشاوندان داماد رهسپار منزل عروس می‌شدند و پس از صرف شام، موضوع مهریه، جهیزیه (پَشا)، شیربها (باشلق)، باروزی و غیره را مطرح می‌کردند و رضایت کامل پدر عروس مبنی بر ازدواج دختر وی با داماد موردنظر را اخذ می‌نمودند. از این مرحله در میان زنان روستا تحت عنوان «بله‌برون» یاد می‌شد. پس از آن، «لباس‌کنونی» انجام می‌گرفت. طی این مرحله یک چمدان لباس به همراه حلقه و انگشتر به عنوان «شهرگرونی» از سوی خانواده داماد به خانواده عروس پیشکش می‌شد و زنان به رقص و پایکوبی می‌پرداختند. پس از این مرحله «نامزدی» آغاز می‌شد. این مرحله به منظور شناخت طرفین از خلق و خوی یکدیگر تدارک دیده شده و تأکید خانواده عروس بر تسریع در امر ازدواج دوچندان بود؛ چراکه احتمال هرگونه رویداد نابهنگام (نظیر سخن‌چینی، فوت خویشاوندان و غیره) و ناکام ماندن فرآیند ازدواج عروس و داماد وجود داشت. از این‌رو نامزدی نافرجام، خویشاوندان عروس را بر بنیاد حفظ کیان خانواده بیش از داماد متأثر می‌ساخت. ولی، پس از سپری شدن موفق دوره نامزدی، زمینه برگزاری جشن ازدواج فراهم می‌شد (مصاحبه با موی‌سپیدان روستای گچگران، ۱۴۰۰).

با اعلام زمان برگزاری جشن ازدواج از سوی طرفین، مراحل مقدماتی انجام می‌گرفت. بر این اساس، مردان تنومند و چابک روستا، با بهره‌گیری از چارپایان به جمع‌آوری هیزم (هیمه) از کوهستان‌ها جهت برپایی آتش در روز عروسی می‌پرداختند. بازگشت چارپایان به روستا توأم با رقابت بود؛ چراکه سریع‌ترین فرد حامل (هیزم) الاغ بازگشتی به روستا، مشمول دریافت پاداش (جایزه دستمال) می‌شد. از سوی دیگر، وجهی نقد (یا ملک و آحشام) تحت‌عنوان «شیربها» و مجموعه‌ای از ارزاق (روغن، قند، چای، برنج، گوشت و تنباکو) موسوم به «باروزی^۱» توسط خانواده داماد روانه منزل عروس می‌شد تا در مخارج عروسی از آنها استفاده نمایند. پس از این مرحله، «حنابندان^۲» بود. این مرحله یک شب قبل از جشن عروسی برگزار می‌شد و پس از آغشته کردن دست و پای داماد به حنا، زنان با چرخاندن حنا به دور عروس و داماد به رقص و پایکوبی محلی می‌پرداختند. گزاره‌هایی همچون «أَمْشُو حَنَا اَیْبِنْدُمْ، وَ دَسُّ وَ پَا اَیْبِنْدُمْ، اِگَر حَنَا نَبَاشَه، دَل

1. Shirbaha

2. Barouzi

3. Hanabandan

و خدا اینند^۱ بیانگر جریان یافتن مرحله حنابندان بود. مرحله بعد، «عقد» بود. در این مرحله عاقد در شب عروسی به منزل عروس دعوت می‌شد. سپس با برپایی یک سفره شیک و مجلل، شخص عاقد با بیان میزان مهریه و دریافت رضایت عروس (کویدن آرام چوب بر سر عروس جهت اخذ واژه "بله" با بیان گزاره محلی آژدایمی، آژدایمی /ترکه کشت بادمی برای سه مرتبه) و داماد (اخذ واژه "بله" برای یک مرتبه) خطبه عقد را جاری می‌کرد و عروس و داماد با استفاده از انگشتان خود، «عسل» را به مثابه نماد عشق آتشین، می‌چشیدند. این مرحله با برخی عقاید سنتی همراه بود، به طوری که پس از جاری شدن خطبه عقد، داماد با استفاده از دست راست خود، سر سایر جوانان مجرد را نوازش (انشالله روزی خُت بوهه) می‌نمود تا آنها نیز به زودی متأهل شوند. شایان ذکر است که فاصله زمانی میان عقد و ازدواج در سکونتگاه گچگران تا اوایل دهه ۱۳۹۰ه.ش صرفاً یک شب بود؛ چراکه خانوارها (به ویژه خانواده عروس) خواستار قطعیت در امر ازدواج بودند و هرگونه افزایش فاصله زمانی میان مراحل عقد و ازدواج را مغایر با آداب و رسوم خود می‌پنداشتند. با وجود این، در نتیجه تسریع شبکه اینترنت، فضای مجازی و تغییر نسل از اواسط دهه ۱۳۹۰ه.ش، نگرش و جهان بینی برخی خانوارها در این خصوص تغییر یافت، به طوری که فاصله میان مراحل عقد و ازدواج به ۳ ماه و حتی ۶ ماه افزایش یافت. شرایط نامساعد اقتصادی مبنی بر دشواری تأمین جهیزیه و برگزاری جشن ازدواج بر ازدیاد فاصله میان این مراحل تأثیرگذار بوده است؛ چراکه بسیاری از جوانان بر بنیاد وضعیت نامساعد اقتصادی خود و با توجه به شرایط بیکاری در سطح جامعه، ناگزیر از دریافت وام ازدواج به واسطه عقد و سپس تدارک یک بازه زمانی ۳ تا ۶ ماهه جهت برگزاری جشن ازدواج بوده‌اند (مصاحبه با موی سپیدان روستای گچگران، ۱۴۰۰).

مرحله دوم، برگزاری جشن ازدواج^۲ است. اساساً تمام عروسی‌ها تا دهه ۱۳۵۰ه.ش در میدان ابالفضل روستای گچگران برگزار می‌شد. از این برهه زمانی تا اواسط دهه ۱۳۸۰ه.ش جشن‌های عروسی معمولاً در فصل بهار (به دلیل سرزندگی طبیعت و عدم نیاز به وسایل سرمایشی و گرمایشی) و به شیوه سنتی در منازل اشخاص صاحب عروسی برگزار می‌شد. بر این اساس، داماد^۳ و عروس^۴ به صورت مجزا در منازل خود به برگزاری جشن‌های عروسی می‌پرداختند. در واقع، هر یک از طرفین، لیست دعوتی‌های خود (بیش از ۱۰۰۰ نفر از تمامی سکونتگاه‌های ممسنی) را به شکل جداگانه، مشخص و پیام شفاهی دعوت به عروسی (دعوت به صورت خانوادگی و یا صرفاً مرد خانواده) را به وسیله بسیج میدانی چندین نوجوان به آنها ارسال می‌کردند. در این زمینه می‌توان به بیان گزاره «أمشو و صبا ظهر با خانواده تشریف بیارید حونه

۱. امشب حنا بر روی دستان و پاهای خود می‌گذارم و به خداوند اتکا می‌کنم.

۲. Marriage

۳. Groom

۴. Bride

فلانی^۱ توسط این نوجوانان و دریافت پاداش تحت عنوان «پارَنجون» اشاره کرد (مصاحبه با موی سپیدان روستای گچگران، ۱۴۰۰).

با اعمال تغییرات نوین در اواسط دهه ۱۳۸۰ ه.ش، کارت‌های دعوت عروسی، تدوین و اسامی مدعوین بر روی آنها به رشته تحریر درآمد. شایان ذکر است که تا اواسط دهه ۱۳۸۰ ه.ش، خویشاوندان درجه اول عروس و داماد به مدت یک هفته به رقص و پایکوبی و گردآوری ابزارها و وسایل به عنوان پیش‌درآمد عروسی می‌پرداختند. برگزاری عروسی در دو نوبت شب و روز صورت می‌گرفت. برخی از آداب و رسوم ازدواج، پیشینه کهن داشتند که تا قبل از انقلاب اسلامی اجرا می‌شدند؛ نظیر: «دوما و روآ» (حمام‌کنون) که به معنای نظافت داماد در چشمه «او گرو» گچگران توسط سلمانی بود و قبل از ورود عروس انجام می‌گرفت. این رسم سنتی تا اوایل انقلاب اسلامی در جریان بود. از سوی دیگر، «سَر تراشون» به معنای اصلاح سر و صورت داماد توسط سلمانی با استفاده از یک پارچه و اُنگ بود که بعد از انتقال عروس به حجله صورت می‌گرفت. این مراسم با سازه و نقاره و رقص و پایکوبی توأمان بود و حضار مبالغی را در اُنگ می‌انداختند که به سلمانی تعلق می‌گرفت (ظهیری‌نیا و طاهری، ۱۳۹۶: ۱۷۶). این رسم تا اواخر دهه ۱۳۷۰ ه.ش در سکونتگاه گچگران مشهود بوده است.

از سوی دیگر، حلقه‌های تقسیم کار جشن عروسی دربرگیرنده «سَر آندر کار»، «خویشاوند درجه یک»، «کارگر»، «آشپز»، «مهمان»، «نوازنده موسیقی^۳ و رقاصی» و «فیلم‌بردار» بود. سر آندر کار، یک نفر موی سپید و کاردان بود که وظیفه محاسبه خرید اقلام و مخارج عروسی را برعهده داشت و با فرامین خود، سایر افراد را برای تهیه وسایل و اقلامی همانند گوشت، برنج (برنج پاک‌کنون)، روغن، قند (قندشکنون)، نان (نون‌کنون)، چایی، هیزم (هیمه) و غیره بسیج می‌ساخت. کالاهای یاد شده معمولاً محصول دسترنج ذخایر سالیانه خانواده‌های عروس و داماد برای استفاده در جشن عروسی بود. دریافت مبالغ و هدایای مهمانان برعهده خویشاوندان درجه یک بود و آنها طی سه مرحله قبل، حین و بعد از عروسی وظیفه همیاری تمام‌عیار با صاحب عروسی را برعهده داشتند تا هیچ‌گونه خلل و نقصی در فرآیند برگزاری عروسی ایجاد نشود. از سوی دیگر، کارگران با استقرار نزد مهمانان به ارائه خدمات و پذیرایی می‌پرداختند و متقابلاً مبلغی از صاحب عروسی دریافت می‌کردند.

حلقه دیگر، آشپزی بود. آشپزی توسط شخص سرآشپز و چندین نفر از زنان صورت می‌گرفت. بر این اساس، آتش توسط تیم آشپزی در مجاور منازل عروسی و به واسطه هیزم‌های (هیمه) جمع‌آوری شده از کوهستان شعله‌ور می‌شد. شخص آشپز به طبخ مواد غذایی می‌پرداخت و تا زمان پذیرایی (ناهار و شام) بر آن نظارت می‌کرد. تیم آشپزی معمولاً پس از پایان جشن عروسی به شستشوی ظروف (سینی، قاشق و چنگال) می‌پرداخت و مقداری وجه از صاحب عروسی دریافت می‌کرد. حلقه دیگر، مهمانان بود. بر این اساس، موی سپیدان، بزرگان و جوانان متأهل به صورت خانوادگی به جشن

۱. امشب و فردا ظهر برای جشن عروسی به منزل فلان صاحب عروسی تشریف‌فرما شوید.

۲. داماد به رودخانه

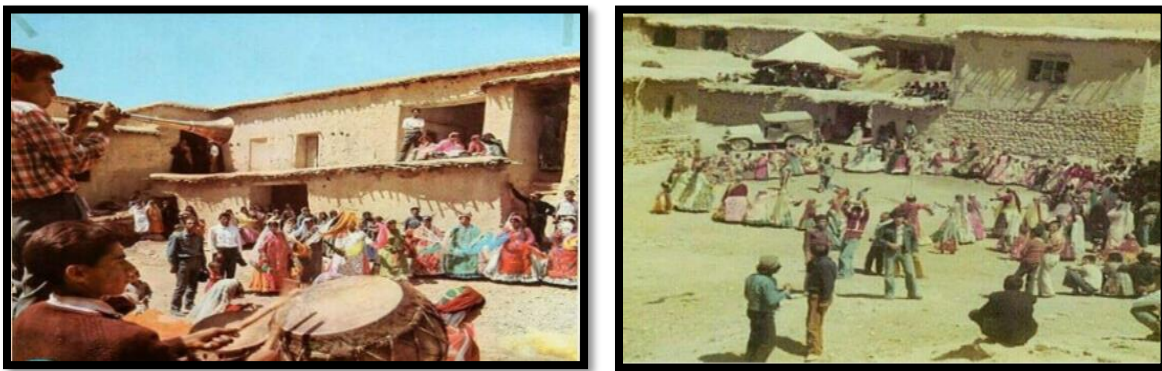
۳. استاد شنبه شعبانی همواره در عروسی‌های روستای گچگران، اجرای ساز و نقاره را برعهده داشت. وی طی یک مصاحبه اظهار کرده بود که چندین دهه فقط بر روی یک بام (میدان ابالفضل روستای گچگران) برای جشن عروسی نواخته است.

عروسی دعوت می‌شدند و برخی کارت‌های عروسی صرفاً مختص به مرد خانواده بود. مهمانان پس از دریافت کارت عروسی، با پوشش و ظاهری آراسته رهسپار منازل محل برگزاری عروسی می‌شدند. همسایگان عروس و داماد با پذیرش مسئولیت، وظیفه تأمین مکان (منزل) پذیرایی از مهمانان مدعو را برعهده داشتند و شخص میزبان زمینه و شرایط لازم را به منظور پذیرایی از مهمانان فراهم می‌ساخت. در مجموع، مهمانان (مردان) پس از صرف غذا به تهیه یک لیست به منظور جمع‌آوری مبالغ و ارائه به شخص میزبان عروسی و یا خویشاوندان وی می‌پرداختند. از این لیست‌ها تحت عنوان «داوتی» یاد می‌شد. مبلغ مورد نظر بر اساس درجه وابستگی خویشاوندی مهمانان به میزبان و نوع کارت دریافتی عروسی (دعوت انفرادی، خانوادگی و کیفیت غذا) تعیین می‌شد. به این معنا که هر چه سطح پیوند خویشاوندی مهمانان به میزبان عروسی بیشتر بود و یا به صورت خانودگی به مجلس عروسی دعوت می‌شدند، مبلغ بیشتری پرداخت می‌کردند (مصاحبه با موی‌سپیدان روستای گچگران، ۱۴۰۰).

از سوی دیگر، مهم‌ترین بخش عروسی، حلقه نوازندگان و رقاصان بودند. ساز و نقاره طی سه مرحله عروسی اجرا می‌شد. مرحله نخست، «ترکه‌بازی» بود. طی این مرحله، سازه و نقاره (مِهتر) با صدای «هنرِه‌نو» در هنگام غروب آفتاب نواخته و با ابزارهایی نظیر «ترکه‌ا» و «پایه» توسط مردان اجرا می‌شد. مرحله دوم، «ساز سحر» بود که در سحرگاه روز عروسی نواخته می‌شد. با نواخته شدن این ساز، خویشاوندان عروس و داماد با صرف صبحانه به انجام تحرکات لازم جهت تأمین لوازم و ابزارهای ناهار عروسی اقدام می‌کردند. مرحله سوم، «رقص» بود. بخش عمده‌ای از ساز و نقاره معطوف به رقص زنان بود. این میدان‌های رقص که متشکل از خویشاوندان عروس و داماد بود، نه تنها در گرم نگه داشتن محفل عروسی نقش چشمگیری داشتند، بلکه فرصتی به منظور معرفی بانوان دم‌بخت بود. به این معنا که جوانان ضمن نظاره میدان رقص، به نشانه (نشون) بانوان مجرد (عاذب) خوش‌سیما می‌پرداختند و سپس به واسطه زنان خویشاوند جهت خواستگاری از آنها اقدام می‌کردند. بانوان نیز با آراستگی ظاهری فاخر، زیباترین لباس محلی و زیورآلات گرانبها در میداین رقص خوش‌درخشیده و بخت ازدواج خود را دوچندان می‌ساختند. علاوه بر بانوان، ساعات پایانی شب عروسی معمولاً به رقص مردان اختصاص داده می‌شد، به طوری که آنها از طریق رقص بندری (انفرادی) و گردی (دسته‌جمعی) به ابراز وجود می‌پرداختند. در مجموع، وجود میداین رقص در سکونتگاه گچگران که نقش بسزایی در شکل‌گیری ازدواج‌ها داشت، تا زمان حرکت دسته‌جمعی کاروان خودروه‌های عریض و طویل همراه داماد به سوی منزل عروس پابرجای بود. خویشاوندان

داماد تحت‌عنوان «بیله‌دوما» با حضور باشکوه نزد «بیله‌عروس» به تحرکاتی نظیر «کل زدن»، «تیراندازی^۳» و «قربانی» گوسفند جلوی پای عروس و داماد، دود کردن اسپند، ریختن پول و تنقلات بر سر آنها و توزیع کیک میان مهمانان می‌پرداختند. سپس عروس را از منزل پدر خود فراخوانده و به همراه داماد (ابتدا توسط چارپایان و طی گذار زمان به وسیله خودروی پیکان تا دهه ۱۳۷۰ ه.ش، خودروی پراید و پژو در دهه ۱۳۸۰ ه.ش و خوردهای لوکس و شاسی‌بلند در دهه ۱۳۹۰ ه.ش) روانه خانه بخت می‌ساختند.

تصاویر شماره ۶ و ۷: جشن عروسی روستای گچگران در دهه ۱۳۵۰ ه.ش



(تدوین: نگارندگان)

حلقه دیگر، «فیلم‌برداری» بود. فیلم‌برداری عروسی در روستای گچگران تا دهه ۱۳۷۰ ه.ش مشهود نبود و صرفاً عکس‌هایی توسط دوربین‌های عکاسی گرفته می‌شد. از این دهه، فیلم‌برداری به جشن‌های عروسی گچگران ورود پیدا کرد و در دهه ۱۳۸۰ ه.ش به صورت فیلم‌های «میکس^۴» ظهور یافت. این فیلم‌های ویدئویی برای مدت‌زمان طولانی پس از اتمام عروسی در میان خویشاوندان عروس و داماد دست به دست می‌چرخید، به‌طوری‌که اعضای هر خانواده به صورت دسته‌جمعی به تماشای آن می‌پرداختند. با ظهور نسل موبایل‌های اندرید در اواخر دهه ۱۳۸۰ ه.ش علاوه بر فیلم‌برداری اصلی، فیلم‌برداری‌های غیررسمی توسط موبایل‌ها صورت گرفت که واکنش دهشتناک صاحب‌عروسی نسبت به توزیع و انتشار عکس‌های عروسی را به همراه داشت. لذا، یکی از گفتمان‌های حاکم بر گروه آرگ و موسیقی، درخواست از جوانان جهت عدم هرگونه فیلم‌برداری از جشن عروسی و مجلس رقص زنان بود (مشاهده میدانی نگارنده، ۱۳۸۷). این نوع حساسیت‌ها از اواسط دهه ۱۳۹۰ ه.ش فروکاست؛ چراکه با گسترش شبکه اینترنت و اینستاگرام، تمام عکس‌ها و فیلم‌های عروسی به سرعت در فضای مجازی منتشر شدند.

۱. بیله به معنای اولاد وابسته به یک گروه خویشاوندی است که در عروسی‌ها برای اشاره به خویشاوندان عروس و داماد به کار می‌رود. در برخی مواقع، واژه «غش» نیز کاربرد دارد.

۲. پرتاب نوعی صدای بلند از حنجره زنان که در جشن‌های عروسی و شادی بکار می‌رود.

۳. پرتاب گلوله به وسیله سلاح گرم به آسمان توسط مردان خویشاوند داماد. پرتاب این گلوله‌ها علاوه بر نمایش جشن و شادمانی، به نوعی نماد روحیه سلحشوری بیله داماد در قبال بیله عروس است.

۴. Mix

بر این اساس، شرایط برگزاری عروسی در دهه ۱۳۹۰.ش به دلیل برپایی تالارهای عروسی، ورود موبایل، ماهواره، شبکه اینترنت و فضای مجازی به روستای گچگران، تقویت زیرساخت‌های جاده‌ای و حمل و نقل و تحول در جهانی‌نسی نسل جدید نسبت به مقوله ازدواج و افزایش سطح توقعات به ویژه از سوی بانوان دم‌بخت (نظیر سرویس طلا، درج سال تولد به عنوان مهریه، منزل و خودروی شاسی‌بلند) به تدریج تغییر پیدا کرد. مکان برگزاری عروسی به تالارها منتقل، و در نتیجه تورم و گرانی اجناس، از تعداد دعوتی‌ها کاسته (بین ۳۰۰ تا ۷۰۰ نفر) و به خویشاوندان درجه اول محدود شد. با وجود این، برخی از خانوارها به منظور نمایش پیوندهای نسبی و سببی گسترده خود و هویدا ساختن میزان املاک خویش، تعداد دعوتی‌های زیاد (بیش از ۱۵۰۰ نفر) را همچنان در دستورکار قرار دادند. شیوه ارسال دعوتنامه عروسی همچنان به صورت دست‌نویس بر روی کارت‌های عروسی مدرن و لاکچری^۱ استمرار یافت. با این تفاوت که ارسال دعوتنامه برای مناطق دوردست با استفاده از فضای مجازی و ابزارهایی نظیر واتس‌آپ، تلگرام و اینستاگرام صورت گرفت. شایان دقت است که حضور مهمانان در این تالارها و شیوه نشستن آنها بر روی میزهای صرف شام، متأثر از مسئله خویشاوندی است، به طوری که هر اولاد در مکان مشخصی از تالار عروسی به صرف وعده غذایی می‌پردازد. لیست نهایی صورتحساب‌ها (داوتی) جهت ارائه به میزبان همچنان بر اساس «هر اولاد»، «یک لیست» است که شخص موی‌سپید آن اولاد در صدر فهرست، و کوچک‌ترین شخص در قعر فهرست قرار دارد. وجه تمایز دیگر برگزاری عروسی در تالار نسبت به منزل، عدم انجام کار یدی توسط خویشاوندان و تنزل رنج و مشقت طاقت‌فرسای آنان است. علاوه بر این، فرصت برخورداری شخص صاحب عروسی و خویشاوندان وی از پوشش آراسته (کت و شلوار) و استقبال از مهمانان فراهم گردیده؛ چرا که وظیفه انجام کارهای یدی، اجرایی و پذیرایی (دسر، شام یا نهار) به نیروی انسانی تالارها محول شده است (مشاهده میدانی نگارندگان، ۱۴۰۰).

همچنین تحولات نوین دیگری در تالارهای عروسی نظیر پوشش لباس عروس به صورت مدرن (تور و تاج)، تعیین زمان مشخص در اواخر شب عروسی جهت رقص عروس و داماد، بُرش کیک و تدارک خودروی لوکس خارجی (بیشتر به صورت کرایه‌ای) رُخ داد. نوازندگان موسیقی نیز به صورت گروه‌های آرکستر ظهور پیدا کردند و سازه و نقاره به حاشیه رانده شد. اگرچه، برخی مجالس عروسی در تالارها با سازه و نقاره و ترکه‌بازی همراه بوده است، ولی طی این دهه (۱۳۹۰.ش) مراحل نظیر ساز سحر از عروسی منسوخ گردید. میدان رقص به صورت تمام‌عیار به بانوان تعلق یافت و حرکات موزون و نمایشی مردان برچیده شد. در خصوص صرف وعده غذا باید اشاره کرد که پذیرایی در تالارها صرفاً در یک نوبت (ناهار یا شام به همراه دسر و میوه‌جات) و در بشقاب‌های مجزا انجام و نوجوانان با پوشش شیک و آراسته (تک‌پوش، شلوار جین، پیراهن هاوایی، موهای مدل 7، کت و شلوار و کراوات) در این تالارها حضور پیدا کرده‌اند (مشاهده میدانی نگارنده، ۱۴۰۰). با شیوع ویروس کرونا در اواخر دهه ۱۳۹۰.ش و مصوبه فرمانداری شهرستان ممسنی

¹. Luxury

مبنی بر تعطیلی تالارها به عنوان مراکز پرخطر انتقال این ویروس، عروسی‌ها مجدداً در منازل واقع در روستای گچگران تدارک دیده شد. از این حیث، برخی از آداب و رسوم سنتی مجدداً بازساخت شد.

سرانجام، مرحله سوم، (بعد از عروسی) دربرگیرنده دو فرآیند «حجله» و «واطلبون» است. اساساً تا قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷.ش) اکثر منازل به صورت کومه^۱، خشتی و گلی بود. این اماکن به وسیله گُمبول^۲، گلیم و پارچه‌های رنگی به عنوان حجله تزئین می‌گردید و عروس داماد طی چندین روز در آن مستقر و مراسم «روگشان» توسط داماد در حجله انجام می‌شد. چند شب بعد از پایان عروسی، آخرین مرحله تحت‌عنوان «واطلبون» یا «پاگشا» انجام می‌گرفت. بر این اساس، پدر عروس به دعوت از شخص عروس و داماد و سایر خویشاوندان درجه یک به منزل خود و پذیرایی از آنها می‌پرداخت. سایر خویشاوندان عروس و داماد نیز، آنها را به صرف ناهار و شام دعوت می‌کردند، به طوری که روند مهمانی‌ها تا چندین ماه بعد از عروسی استمرار داشت (ظهیری‌نیا و طاهری، ۱۳۹۶: ۱۷۶). با وجود این، در صورت وقوع رویدادی ناگوار برای خانواده داماد نظیر درگذشت یکی از اعضای خانواده وی، از تازه‌عروس تحت‌عنوان «بدشگون» یاد می‌شد و واژگان کنایه‌آمیز به شیوه «سراکو^۳» در قبال وی استعمال می‌شد. این نوع جهانبینی که گاه در همان مرحله نامزدی مانع از سرگرفتن ازدواج می‌شد، در دهه ۱۳۹۰.ش در سکونتگاه گچگران هویدا بوده است. در مجموع، در خصوص مرحله بعد از جشن عروسی باید اذعان داشت که ولادت پسر تا دهه ۱۳۷۰.ش بسیار حائز اهمیت بود و از آن تحت‌عنوان «گُزاکُنون^۴» یاد می‌شد. از این رو، تولد دختر عدم عنایت مرد به همسر خود را به همراه داشت. شایان ذکر است که چندین سال بعد، مراسم «ختنه‌کنون» توسط افراد مُجرب روستا در قبال نونهالان انجام می‌گرفت. این نوع آداب و رسوم در دهه ۱۳۸۰.ش به طور کامل برچیده شدند (مصاحبه با موی‌سپیدان روستای گچگران، ۱۴۰۰).

نهایتاً در خصوص مسئله طلاق باید اظهار داشت که این مسئله در سکونتگاه گچگران تا دهه ۱۳۸۰.ش مشهود نبوده است؛ چراکه در صورت مناقشه خانوادگی، زنان با قهر و اندوه برای مدتی نزد خانواده پدری خود بازمی‌گشتند. از این روی، موی‌سپیدان و خویشاوندان خانواده داماد رهسپار منزل پدر عروس می‌گردیدند و با دلجویی از ایشان خواستار بازگشت مجدد وی به زندگی زناشویی می‌شدند. بر این اساس، طلاق امری مذموم انگاشته می‌شد که کیان و منزلت خانواده را درهم می‌شکست. با وجود این، زنان به تدریج در نتیجه آگاهی‌های اجتماعی ناشی از فضای مجازی و برخورداری از تحصیلات آکادمیک طی دهه ۱۳۸۰.ش تا سال ۱۴۰۰.ش، بر مسئله حقوق شهروندی خود بیش از پیش پای فشاری نمودند. لذا، طی دهه ۱۳۹۰.ش این انگاره ذهنی در میان زنان برانگیخته شد که در صورت هرگونه تعرض مردان به خود، از ابزار طلاق و به اجرا گذاشتن مهریه بهره ببرند. بنابراین، مواردی از طلاق به تدریج در سکونتگاه گچگران هویدا شد و بنیان برخی خانواده‌ها را از هم گسست.

1. Kuma

2. Gombul

3. Sarakou

4. KorzaKonun

۵-۶. پوشش

سکونتگاه گچگران همانند دیگر مناطق ممسنی از پوشش سنتی در بستر تاریخ برخوردار بوده است. دگرگونی در نوع پوشش گچگرانی‌ها را می‌توان طی چندین دوره تاریخی بررسی کرد. دوره نخست از زمان تأسیس سکونتگاه گچگران در دهه ۱۲۷۰ ه.ش تا اصلاحات ارضی (۱۳۴۱ ه.ش) را دربرمی‌گیرد. طی این دوران، مردان این سکونتگاه لباس‌های سنتی و محلی به تن داشتند و در مناسبت‌های گوناگون اعم از مهمانی‌ها، سطح روستا و ایلیاتی از آن استفاده می‌کردند. این نوع پوشش معمولاً در میادین رزم، تحرک سریع و چابکی سلحشوران را به همراه داشت. با وجود این، کدخدایان این سکونتگاه و برخی بزرگان و متنفذین محلی در دوره پهلوی، پوشش کُت و شلوار را مورد بهره‌برداری قرار دادند. از سوی دیگر، زنان، لباس لُری شامل «تومون قری^۱»، «جومه پیلکی^۲»، «کانه^۳»، «چارقَد^۴»، «آرخالق بالدار^۵»، و «چمپلی^۶» را همواره در مناسبت‌های مختلف به تن داشتند و بخشی از هویت آنها را تشکیل می‌داد. دوره دوم، دربرگیرنده اصلاحات ارضی تا انقلاب سلامی (۱۳۵۷-۱۳۴۲ ه.ش) است. طی این دوره نوع پوشش مردان متأثر از شیوه زیست یکجانشینی نسبتاً تغییر یافت، به طوری که به پوشش شلوار کتانی، لانگِلر پارچه‌گشاد، خط‌ریش بلند (پازُلَف)، سیبل و موی سر بلند (بی‌تلی) روی آوردند، ولی همچنان استفاده از کلاه دوره‌ای، کلاه نم‌دی و کلاه پیشکی رایج بود. از سوی دیگر، زنان همچنان لباس محلی مختص به خود همانند تُن‌بان و جومه محلی را حفظ نمودند. ولی، پوشش بانوان در مدارس به صورت «سرافن^۷»، شلوار و برخی فاقد روسری بود (مصاحبه با موی‌سپیدان روستای گچگران، ۱۴۰۰).

در سومین دوره، با پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ه.ش) برخی مردان روستای گچگران به پوشیدن لباس‌های مدل انقلابی و سیمای ظاهری اسلامی روی آوردند. با وجود این، کثیری از مردان از بدو انقلاب اسلامی تا اواخر دهه ۱۳۷۰ ه.ش با لباس سنتی و شلوار (کُردی، پارچه‌ای نخ‌ی خَط‌خطی و ورزشی) در روستا رفت و آمد داشتند و پوشش رسمی (کت و شلوار، لباس پارچه‌ای و غیره) صرفاً مختص به ادارات، مدارس و مراسم‌های عزاداری، شیون و شادی بود. در چهارمین دوره، نسل جدید جوانان این سکونتگاه سبک پوشش مدرن (همچون خط‌ریش موسوم به «پازُلَف میخی» و مدل موی مشهور به «شُخ» و «دُم‌کَفتری») را طی اوایل دهه ۱۳۸۰ ه.ش مورد عنایت قرار دادند. از سوی دیگر، پوشش چادر و لباس محلی به صورت توأمان طی دهه اول انقلاب اسلامی مورد استفاده زنان قرار گرفت و «مَقنعه» در مدارس دخترانه رواج یافت. شایان ذکر است که زنان طی دهه‌های ۸۰-۱۳۷۰ ه.ش با بهره‌مندی از پوشش مانتو در کلانشهرها ابراز وجود کردند

1. Tomun Gheri

2. Juma Pilaki

3. Kanah

4. Chaghad

5. Arkhalogh Baldar

6. Champali

7. Sarafon

و از این برهه زمانی اصطلاح «لباس شهری» در میان زنان رواج پیدا کرد. اما، نسل جدید بانوان به پوشش مدرن همانند مانتو، شلوار و عینک آفتابی طی اوایل دهه ۱۳۸۰ ه.ش روی آوردند (مشاهده میدانی نگارندگان، ۱۴۰۰).

طی پنجمین دوره، در نتیجه نوسازی بافت عمرانی و کالبدی سکونتگاه گچگران در اواسط دهه ۱۳۸۰ ه.ش، نوع پوشش زنان و مردان دچار دگرذیسی عمیقی شد. از این برهه زمانی تا سال ۱۴۰۰ ه.ش، موی سپیدان، نخبگان و کارگزاران اداری بیش از پیش به پوشیدن کت و شلوار و کت تک روی آوردند. جوانان و نوجوانان نیز پوشش لاکچری (آراستگی ظاهری، مدل‌های متنوع مو، پیراهن هاوایی، شلوار جین، جوراب‌های ساق‌کوتاه، بهره‌گیری از آکسسوری‌هایی همچون ساعت‌مچی و مچ‌بند) را متأثر از فضای مجازی و شبکه اجتماعی اینستاگرام در پیش گرفتند. با وجود این، برخی از بانوان مُسن همچنان به پاسداری از پوشش محلی در سطح روستا و شهر پرداخته‌اند (مشاهده میدانی نگارندگان، ۱۴۰۰).

در این میان، سبک پوشش در جشن‌های عروسی روستای گچگران اهمیت خاصی دارد. در حالی که مردان تا قبل از انقلاب اسلامی، با پوشش سنتی و همچنین کت و شلوار در عروسی مشارکت داشتند، بعد از انقلاب بیشتر به پوشیدن کت و شلوار در این جشن‌ها پرداختند. زنان نیز علی‌رغم برخورداری از پوشش مدرن در مهمانی‌ها، همچنان پوشش محلی خود (لباس لُری) را که دربرگیرنده چارقُد، زُلف، دستمال رقاصی و زیورآلات است، تا سال ۱۴۰۰ ه.ش در جشن‌های عروسی حفظ کرده‌اند که نماد اصالت و پیشینه تباری کهن آنان به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد، زیورآلات آویخته به پوشش زنان (اعم از سوزن، آشتفی، خار، آنگو و غیره) بیانگر پایگاه اقتصادی آنان است. از این رو، پوشش لباس، بدکی جات و زیورآلات کرایه‌ای به منظور چیرگی بر خلأ ناشی از این امر در جشن‌های عروسی طی دهه ۱۳۹۰ ه.ش بیش از پیش هویدا شد (مشاهده میدانی نگارندگان، ۱۴۰۰).

۶.۶. غذا

ساکنان روستای گچگران همانند سایر مناطق ممسنی عنایت ویژه‌ای به غذا دارند. از جمله غذاهای سنتی می‌توان به برنج شمیم و چمپا، مرغ محلی و تپناده، کره محلی، دوغ محلی، روغن خَش، نون تیری، مُشتک، گِردَه، شُلشلی، دُوا، شِلَه‌بادامی (آش مَجکی)، آش کاردَه، لَلک، شِلَه‌شیری (شیربرنج)، شِلَه‌ماشکی (صرف در روزهای بارانی) و گبوله طی دهه‌های گذشته اشاره کرد که طَبخ آنها در مناسبت‌هایی نظیر «۱۳ به‌دَر» رایج‌تر بوده است. به لحاظ تاریخی، ابتدایی‌ترین نوع مواد غذایی مورد استفاده ساکنان این روستا، «اُوداغک^۱» بوده است که طی گذار زمان به آبگوشت و دیزی تغییر شکل داد. همچنین نگهداری روغن خَش درون وسایلی همانند «خِیگ^۲» و «کلیک^۳» تا دهه ۱۳۵۰ ه.ش و تولید ماست، دوغ، کره و کَشک محلی به وسیله ابزارهای «مَلار^۴» و «چِمتر^۵» تا دهه ۱۳۶۰ ه.ش در این سکونتگاه رایج بود. علاوه بر این، تهیه نان تیری، مُشتک

^۱.0 Daghak

^۲. خِیگ (Khig) وسیله‌ای تهیه شده از پوست حیوان.

^۳. کلیک (Qlik) وسیله‌ای برای نگهداری روغن خَش.

^۴. مَلار (Malar) دربرگیرنده سه عدد چوب بود که توسط یک بند به یکدیگر بسته شده بودند.

^۵. چِمتر (Chemater) وسیله‌ای تهیه شده از پوست حیوان. طی دهه‌های بعد، چِمتر آلومینیومی و سپس برقی مورد استفاده ساکنان قرار گرفت.

و شُلشُلی با استفاده از «تاوَه^۱» تا دهه ۱۳۹۰ ه.ش در این روستا مشهود بوده است. با وجود این، مواد غذایی در دهه ۱۳۹۰ ه.ش رنگ و بویی مدرن پیدا کرد و به سوی پخت و پز و مصرف غذاهای فست‌فودی سوق یافت (مشاهده میدانی نگارندگان، ۱۴۰۰).

۶-۷. مراکز تفریحی و گردشگری

مراکز تفریحی و گردشگری در سکونتگاه گچگران بیشتر به صورت طبیعی جلوه‌گر هستند تا انسان‌ساخت. اطراف این سکونتگاه سرشار از رودخانه، اراضی کشاورزی، مجموعه ورزشی و کوهستان‌هایی است که ساکنان اوقات فراغت خود را در آنها سپری می‌کنند. سکنه گچگران همواره علاقه درخوری به حضور در دامن جاذبه‌های طبیعی دارند. از این‌رو، برخی کوهنوردان در سحرگاه ایام تعطیل رهسپار کوهستان «گودسفید» شده و ضمن کوهنوردی، گردآوری میوه‌جات کوهستانی همانند «رَمَلِک» و «کَلِه‌خُنْگ» را مورد عنایت قرار می‌دهند. علاوه بر این، ورزشکاران این سکونتگاه در یک اقدام ورزشی (جهت تناسب اندام^۲) به پیاده‌روی در جاده‌های فرعی و مجموعه ورزشی کارگران روستا می‌پردازند. بانوان روستا نیز ضمن انجام ورزش پیاده‌روی در سکونتگاه‌هایی نظیر نویندگان، شهرک و آبیان به جمع‌آوری سبزیجات و گیاهان محلی نظیر «بَکَلو»، باوینه، یافتن قارچ و غیره» توجه دارند (مشاهده میدانی نگارنده، ۱۳۹۹).

علی‌رغم این جاذبه‌های طبیعی، روستای گچگران فاقد مراکز تفریحی انسان‌ساخت همانند پارک تفریحی است. ولی، یکی از مراکز تفریحی انسان‌ساخت در مجاور این سکونتگاه، چشمه آب گرم موسوم به «اوگرو» است. این چشمه تا اواخر دهه ۱۳۸۰ ه.ش به صورت سنتی مورد استفاده ساکنان قرار داشت و با توجه به دفع امراض پوستی، از کارویژه درمانی برخوردار بود. با احداث ساختمان استخر (متشکل از یک حوضچه آب و چند دوش آب‌گرم) توسط شهرداری نورآباد بر روی این چشمه آب‌گرم در زمینی به مساحت ۲۵۰۰ مترمربع و زیربنای ۵۰۰ مترمربع و صرف ۵ میلیارد ریال، کارویژه تفریحی - گردشگری و درآمدزایی آن افزایش یافت (حسینی، ۱۳۹۰). اما، پوسیدگی لوله‌های حمام این ساختمان بر اثر گوگرد موجود در چشمه آب‌گرم بیانگر ضعف کارشناسی در پیش‌بینی چنین وضعیتی بوده است.

۱. تاوَه (Tava) وسیله‌ای جهت پخت و پز نان محلی.

۲. Fitness

۸-۶. طبیعت دوستی

ساکنان روستای گچگران همانند دیگر شهروندان ممسنی علاقه درخوری به حضور در دامان طبیعت دارند، به طوری که تعطیلات پایانی هفته را در مناطق سرشار از جنگل و آب و هوای مطلوب سپری می‌نمایند. سکنه این سکونتگاه طی فصول مختلف سال رهسپار مناطق طبیعی گوناگونی می‌شوند. این گروه‌های انسانی در فصل تابستان راهی بخش دشمن - زیاری (چاه‌چنار، کوه تاسک و کوه شاه‌زکی)، در فصل پاییز و اواخر زمستان روانه بخش ماهور میلانی (بشارجون، کوه بُزان و کوه در)، در فصل بهار رهسپار مناطق دوتو جونگان، هَرایرز و دشت‌اله کرمی می‌شوند. برپایی چادرهای سنتی و مسافرتی در این مناطق دل‌انگیز و گذران اوقات فراغت برای چندین روز، بیانگر گرایش عمیق آنها به چنین فضای جغرافیایی بانشاط است. اوج وابستگی ساکنان به فضای طبیعی را می‌توان در عید نوروز مشاهده کرد که طی روزهای منتهی به «۱۳ به در»، چادرهای خود را در دل طبیعت برافراشته می‌سازند و به کوهنوردی (نظیر کوه «پیره^۱») می‌پردازند. جمع‌آوری هیزم (هیمه)، برپایی آتش عظیم، صرف مواد غذایی محلی همانند «شُلشلی» و «دُوا»، رقص، پایکوبی، سَرمستی و گشاده‌رویی، خواندن اشعار محلی، رهاسازی صداهایی از حنجره خود همچون «لُرکه، بروکه، کل، هُو و گآله»، شلیک گلوله هوایی، پرتاب ترقه و فشقه به آسمان و بازی‌هایی نظیر «کلِ کَلَه بَرَد»، تاب‌بازی و توپ‌بازی مورد عنایت افراد قرار دارد (مشاهده میدانی نگارنده، ۱۴۰۰).

۹-۶. بازی‌های محلی

بازی‌های محلی در روستای گچگران همانند دیگر مناطق شهرستان ممسنی به فور در میان ساکنان رایج بوده است. به طور کلی، این نوع بازی‌ها در سکونتگاه گچگران را می‌توان به دو دوره قبل و بعد از دهه ۱۳۹۰ ه.ش تقسیم کرد. نوجوانان این روستا تا قبل از دهه ۱۳۹۰ ه.ش به بازی‌های گوناگونی نظیر «آرَخْتَل، کَپروشک، هُو کَلی هُو، هَفَت‌سنگ، مَلَه (شنا)، و کِر و کِر، قطور، شش‌خونه دو تایربازی» مشغول بودند. به دلیل ضعف شبکه اینترنت و فضای مجازی در روستای گچگران تا قبل از دهه ۱۳۹۰ ه.ش، میزان تمایل افراد به بازی‌های محلی دوچندان بود، به طوری که پس از تعطیلی مدارس مقاطع ابتدایی و راهنمایی، دانش‌آموزان به سرعت چنین بازی‌هایی را در پیش می‌گرفتند. این بازی‌های محلی در تعطیلات عید نوروز و تابستان بیش از پیش صورت می‌گرفت و اوقات فراغت ساکنان بدین شکل سپری می‌شد. با وجود این، از دهه ۱۳۹۰ ه.ش به بعد زمینه برای ورود شبکه اینترنت پرسرعت به سکونتگاه گچگران فراهم شد که خود به مثابه ورود به عصر نوین ارتباطات و تغییر در بازی‌های محلی بود. این فرآیند، بهره‌مندی ساکنان از لوازمی همچون لب‌تاب و نسل‌های

^۱. نام کوهی در انتهای منطقه دوتو جونگان شهرستان ممسنی است.

نوین موبایل، نرم افزارها و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک، واتس‌آپ، تلگرام و اینستاگرام را به همراه داشت که الگوی رفتاری جوانان را از فضای واقعی روستا به سوی ارسال «پُست»، «استوری»^۲ و «لایو»^۳ در بستر فضای مجازی اینستاگرام سوق داد. با توجه به وقوع چنین تحولاتی، نسل جدید این سکونتگاه (متولدین دهه‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۰ ه.ش) تمایل چندانی به بازی‌های محلی و سنتی نشان ندادند؛ چرا که گذران اوقات شبانه‌روزی در فضای مجازی جهت ارضاء نیازهای روحی، جسمی و جنسی خود را بیشتر مورد عنایت قرار دادند (مشاهده میدانی نگارندگان، ۱۴۰۰).

۱۰-۶. مراکز علمی و آموزشی

پیشینه تأسیس مدرسه در روستای گچگران به دوره پهلوی اول برمی‌گردد. طی این برهه زمانی، مدرسه به صورت «مکتب‌خانه» دایر بود و دانش‌آموزان از سواد قرآنی برخوردار می‌شدند. این مکتب‌خانه از قوانین دشوار و فضای خُشک و بی‌روحي برخوردار بود، به طوری که هرگونه بی‌نظمی دانش‌آموزان، تنبیه آنها تحت‌عنوان «فَلکُ»^۴ را به همراه داشت. با توجه به عدم کاربرد فامیلی، پیشوند خانوادگی دانش‌آموزان برای آنها استعمال می‌شد. نظیر: «سید» برای سادات، و «میر» برای افراد برخوردار از مادری سید. در دوره پهلوی دوم (۱۳۳۷ ه.ش)، آموزش کودکان به سبک و سیاق سنتی و در مجاور یک درخت چُنار موسوم به «چنار کَل عبدالله» انجام شد. ولی، تا قبل از دوره اصلاحات ارضی (۱۳۴۱ ه.ش)، ارتقاء علمی دانش‌آموزان تحت تأثیر ملاحظات ساختار عشیره‌ای قرار داشت و برخی از دانش‌آموزان به منظور سپری کردن دوره‌های تحصیلی ناگزیر از واگذاری بخشی از دارایی خود به دبیران ذینفوذ بودند و هرگونه سَهَل‌انگاری در این امر، رفوزه‌گی آنها را به دنبال داشت. شایان ذکر است که مدرسه «شبانه» گچگران نیز به صورت شب‌هنگام دایر و به آموزش دانش‌آموزان کلاس اول تا پنجم ابتدایی تخصیص یافته بود. علی‌رغم برخی محدودیت‌های ساختار عشیره‌ای، فعالیت‌های استاد محمد بهمن‌بیگی مبنی بر راه‌اندازی دانشسرای عشایری فارس، ورود دانش‌آموزان گچگرانی به دانشسراها و متعاقباً نقش‌آفرینی در حرفه دبیری را برایشان رقم زد (مصاحبه با موی‌سپیدان روستای گچگران، ۱۴۰۰).

بر این اساس، مراکز علمی سکونتگاه گچگران را که از کارویژه‌های اداری، فرهنگی و اجتماعی برخوردارند، می‌توان به سه مقطع تحصیلی مهدکودک، دبستان و راهنمایی تقسیم کرد. مقطع مهد کودک (کودکستان) در ابتدا در برخی از منازل ساکنان روستای گچگران برگزار شد، ولی در دهه ۱۳۷۰ ه.ش در شهرک گچگران مستقر گردید و کودکان ناگزیر از مراجعه به این مرکز بودند. با وجود این، مرکز مهد کودک روستای گچگران در دهه ۱۳۸۰ ه.ش تأسیس شد و مرکز مهد کودک «باغ گل‌ها» نیز در دهه ۱۳۹۰ ه.ش در این روستا شروع بکار نمود. دومین مقطع، دبستان است. نخستین سنگ‌بنای مدرسه

^۱ . Post

^۲ . Story

^۳ . Live

^۴ . نوعی ابزار تنبیهی که به صورت کوبیدن چوب بر کف پای دانش‌آموزان بود.

ابتدایی گچگران به شیوه مدرن در سال ۱۳۳۹ ه.ش تحت عنوان «کریم خان زند» گذاشته شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ه.ش)، مدرسه ابتدایی گچگران با نام «شهید ظاهر دهقان» به فعالیت خود ادامه داد. این مدرسه دربرگیرنده کلاس‌های اول تا پنجم ابتدایی بود که مدیران، دبیران و خدمه مختلفی را از اقصی نقاط شهرستان ممسنی به منظور تدریس جذب کرد.

تصویر شماره ۸. مدرسه ابتدایی شهید ظاهر دهقان روستای گچگران



(تدوین: نگارندگان)

سومین مقطع تحصیلی در گچگران، راهنمایی است. مدرسه راهنمایی «شهید نوری» گچگران در سال ۱۳۵۳ ه.ش تأسیس شد. این مدرسه دربرگیرنده کلاس‌های اول، دوم و سوم راهنمایی بود. با توجه به فقدان مدرسه راهنمایی در روستاهای مجاور، دانش‌آموزان روستاهای شهرک، آبیان، سنگر، سَهَلکی و شیراسپاری با پیمودن مسافت طولانی و عبور از رودخانه کُتی، رهسپار این مدرسه می‌شدند. شهرک گچگران نیز در سال ۱۳۸۱ ه.ش از مدرسه شبانه‌روزی «احمد عدل‌پرور» برخوردار شد. بر این اساس، عده‌ای از دانش‌آموزان روستاهای مجاور در این مدرسه به تحصیل پرداختند. از سوی دیگر، مدرسه راهنمایی شهید نوری گچگران در سال ۱۳۹۰ ه.ش ملغی شد و مدرسه شبانه‌روزی دخترانه سمیه به سبک نوین و در یک فضای کالبدی کاملاً مدرن جایگزین گردید.

۱۱-۶. مراکز بهداشتی و بهداشتی

یکی از مراکز بهداشتی روستای گچگران، حمام عمومی است. طرح این حمام در دوره پهلوی دوم (اواخر دهه ۱۳۴۰ ه.ش) و پس از تعیین بودجه صورت گرفت. با توجه به عدم برخورداری روستای گچگران از آب لوله‌کشی، یک چاه دستی در محل مورد نظر حفر و با استفاده از یک موتور دیزلی در مجاور این چاه، حمام عمومی تأسیس و از مسئول حراست برخوردار گردید. این حمام مورد استفاده روستاهای مجاور سکونتگاه گچگران نیز قرار داشت. استفاده زنان و مردان از این حمام به صورت شیف‌بندی (روزهای زوج و فرد) بود. پس از انقلاب اسلامی به دلیل بهره‌مندی تدریجی ساکنان روستای گچگران از حمام خصوصی، حمام عمومی سابق به حاشیه رفت. با وجود این، استفاده از حمام‌های خصوصی تا

اوایل دهه ۱۳۶۰ ه.ش همچنان به صورت سنتی بود، به طوری که استفاده از یک تَشْت آب و سنگ به منظور نظافت کاربرد داشت و مادران نقش بسزایی در پاکسازی بدن فرزندان خود ایفا کردند. دوش آب از دهه ۱۳۷۰ ه.ش جایگاه خود را در نظافت شخصی پیدا کرد (مصاحبه با موی سپیدان روستای گچگران، ۱۴۰۰).

در خصوص شیوه طب سنتی در سکونتگاه گچگران تا دهه ۱۳۵۰ ه.ش باید اشاره کرد که در صورت ایجاد مشکل جسمی برای افراد، باتجربه‌ترین و ماهرترین فرد روستا تحت عنوان «بیتال»^۱ در نقش پزشک ارتوپدی امروزی، وظیفه رفع نقایص جسمانی نظیر دررفتگی انگشتان دست و پا و ماساژ بدن و برخی افراد دیگر حل مشکلات روده (گیر برداشتن) و گلو ملازی با استفاده از روش‌های سنتی را برعهده داشت. داروها و گیاهان محلی همانند گل بابونه، پونه، ریشه بگه و خیار گورگو برای حل سایر مشکلات گوارشی ساکنان کاربرد داشت. از سوی دیگر، برخی از زنان روستا هنگام تولد نوزاد وظیفه مامایی به سبک و سیاق سنتی را برعهده داشتند. با وجود این، مراکز بهداشتی درمانگاه شهرک گچگران و خانه بهداشت گچگران به عنوان نماد طب مدرن تأسیس شدند. بر این اساس، درمانگاه شهرک در سال ۱۳۵۳ ه.ش تأسیس شد که علاوه بر پزشک عمومی، از دندانپزشکی برخوردار بود و به ارائه خدمات به روستائیان پرداخت. بنابراین، ساکنان گچگران با مراجعه به این درمانگاه خدمات دندانپزشکی را با قیمت نازل دریافت کردند، ولی ضعف تجهیزات پزشکی، تحمل درد فراوان را به همراه داشت. به دلیل افزایش سطح کیفیت و کمیت مراکز دندانپزشکی در شهر نورآباد طی دهه ۱۳۸۰ ه.ش، ساکنان گچگران رهسپار این شهر شدند. درمانگاه شهرک نیز در اواخر دهه ۱۳۹۰ ه.ش در یک ساختمان جدیدالتأسیس مستقر و از کادر حراست برخوردار شد. از سوی دیگر، با تأسیس خانه بهداشت گچگران به عنوان کوچک-ترین واحد بهداشتی درمانی در سال ۱۳۷۶ ه.ش زمینه برای دریافت بخشی از خدمات پزشکی فراهم شد. این خانه بهداشت با بهره‌مندی از چندین نفر بهورز به ارائه خدمات بهداشتی به جمعیت تحت پوشش خود در روستای گچگران و سایر روستاهای همجوار (شهرک، آبیان و گاوشاخی) می‌پردازد. مهم‌ترین کارویژه این واحد بهداشتی را می‌توان ارائه خدماتی همچون مراقبت از کودکان، زنان باردار، واکسیناسیون، سنجش قد، وزن، برگزاری راهپیمایی سلامت و طبخ غذای سالم دانست. یکی دیگر از مراکز خدماتی، مرکز خدمات بهزیستی شهید هاشمی واقع در شهرک گچگران است. این بهزیستی که به عنوان بخشی از زیرمجموعه مرکز خدمات بهزیستی روستایی شهرستان ممسنی به شمار می‌رود، خدماتی را به اقشار آسیب‌پذیر نظیر خانوارهای بی‌سرپرست ارائه می‌دهد.

^۱. Beytal

۱۲-۶. مراکز ورزشی

روستای گچگران از یک مجموعه ورزشی تحت عنوان «کارگران» برخوردار است. این مجموعه ورزشی دربرگیرنده سالن چندمنظوره، سالن کشتی، چمن مصنوعی و زمین فوتبال است. در حالی که سالن چندمنظوره و چمن مصنوعی این مجموعه ورزشی در دهه ۱۳۹۰ ه.ش گشایش یافت، زمین فوتبال همچنان به صورت خاکی است. چمن مصنوعی مجموعه ورزشی کارگران گچگران که به عنوان نخستین زمین چمن مصنوعی شهرستان ممسنی محسوب می‌شود، در سال ۱۳۹۵ ه.ش افتتاح شد. وسعت این چمن، ۱۰۰۰ متر مربع است که ۳ میلیارد و ۱۰۰ میلیون ریال جهت آماده‌سازی آن تخصیص داده شد (گودرزی، ۱۳۹۵). سالن کشتی این مجموعه ورزشی، کلنگ‌زنی شده، ولی هیچ‌گونه پیشرفت فیزیکی نداشته است. زمین چمن مصنوعی به دلیل ضعف فنی و مهندسی پیمانکار، با چالش و مشکلاتی نظیر شکستگی پروژوکتورها، رها شدن فنس‌های اطراف چمن و از بین رفتن بخش‌هایی از روکش چمن مواجه است (مشاهده میدانی نگارنده، ۱۴۰۰).

در خصوص پیشینه این مجموعه ورزشی باید اشاره کرد که زمین فوتبال گچگران طی دهه‌های گذشته میزبان برگزاری مسابقات فوتبال بوده است. در این زمینه می‌توان به خوش درخشیدن تیم فوتبال «عقاب» گچگران طی مسابقات شهرستانی اشاره کرد که با حداقل امکانات، قادر به ابراز وجود در سطح شهرستان ممسنی بود و همواره با تیم‌های فوتبال کارخانه قند و فلهیان برای قهرمانی رقابت داشت. با توجه به برخورداری روستای گچگران از زمین فوتبال و فوتبالیست‌های درخور، این روستا در برخی ادوار به عنوان میزبان رقابت‌های فوتبال برگزیده شد. برگزاری مسابقات در روستای گچگران، جلوه اتحاد و همبستگی ساکنان بود؛ چراکه تماشاگران با حلقه زدن دور زمین فوتبال نه تنها به نظاره فوتبال می‌پرداختند، بلکه یکپارچگی روستا را به نمایش می‌گذاشتند. علاوه بر تیم فوتبال عقاب، تیم‌هایی نظیر شاهین، آزادی و بهمن در روستای گچگران عرض اندام کردند.

تصویر شماره ۹. تیم فوتبال عقاب روستای گچگران



(تدوین: نگارندگان)

پس از این دوره تاریخی، فوتبالیست‌هایی در دهه ۱۳۸۰ه.ش ظهور کردند، ولی به دلیل عدم پشتوانه مالی از راهیابی به سطوح استانی و ملی بازماندند (مصاحبه با موی سپیدان روستای گچگران، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، در مجاور زمین فوتبال اصلی، یک زمین دیگر موسوم به «زمین خارجی»^۱ گهگاه مورد استفاده نوجوانان قرار داشت، ولی از کیفیت و استاندارد لازم برخوردار نبود. طی گذار زمان، تیم فوتبال گچگران از سبک و سیاق سنتی خارج شد و با توجه به احداث سالن ورزشی و چمن مصنوعی در مجموعه ورزشی «کارگران»، نسل جدید فوتبالیست‌های گچگرانی در دهه ۱۳۹۰ه.ش ظهور کردند و به واسطه امکانات و پشتوانه بیشتر در سطح شهرستانی، استانی و کشوری خوش‌درخشیدند. شایان ذکر است که تیم والیبال گچگران نیز پس از انقلاب اسلامی فعال بود و در مسابقات شهرستانی حضور باشکوهی داشت و به رقابت با تیم والیبال روستای عالیوند به عنوان رقیب سنتی خود پرداخت. تیم والیبال گچگران در دهه ۱۳۹۰ه.ش با حمایت تماشاگران پرشور خود در سالن مجموعه ورزشی استادیوم شهید لشکری نورآباد به رقابت با حریفان پرداخت و نتایج ارزنده‌ای کسب کرد.

^۱ در خصوص وجه تسمیه زمین خارجی، فرضیات گوناگونی وجود دارد. برخی به دلیل خارج بودن آن از زمین اصلی فوتبال مجموعه ورزشی کارگران، عنوان خارجی را بر آن اطلاق می‌کنند. برخی دیگر، وجه تسمیه «خارجی» را نشأت گرفته از استقرار کمپ گاز ایتالیایی‌ها در مجاور این زمین (سال ۱۳۵۷ه.ش) به منظور راه‌اندازی خط لوله گاز می‌دانند (مصاحبه با موی سپیدان روستای گچگران، ۱۴۰۰).

از دیگر ورزش‌هایی که طی دهه ۱۳۹۰ ه.ش مورد عنایت ساکنان گچگران قرار گرفت، کوهنوردی است. برخی از کوهنوردان به صورت انفرادی و تیمی (نظیر تیم کوهنوردی عقاب گچگران) به فتح قله‌ها در کوهستان‌های مختلف پرداخته‌اند. بررسی وضعیت ظاهری کوهنوردان گچگرانی طی اواخر دهه ۱۳۹۰ ه.ش نشان می‌دهد که آنها به سبک و سیاق مدرن (کفش، کوله‌پشتی، هدلامپ، کیسه خواب، زیرانداز کیسه خواب، چادر، طناب، قطب‌نما، عصا، پیراهن مخصوص، کلاه، گتر، کرم ضدآفتاب و غیره) به کوهنوردی پرداخته‌اند. بازتاب حضور این کوهنوردان در فضای مجازی به ویژه پیج اینستاگرام آنها مشهود بوده است. از سوی دیگر، برخی کوهنوردان گچگرانی به شیوه سنتی در کوهستان حضور پیدا می‌کنند، به طوری که چوب‌دستی و قمقه آب مهم‌ترین ابزارهای این کوهنوردان است. این کوهنوردان از سابقه دیرینه‌ای در زمینه کوهنوردی برخوردارند و کوهستان جزئی از ماهیت وجودی و زیست آنها را تشکیل می‌دهد. تجلی درهم‌تنیدگی روابط متقابل انسان و محیط در میان این دسته از کوهنوردان هویدا است. در یک مقایسه به نظر می‌رسد نسل قدیم این روستا علاقه درخوری به پوشش و ابزارهای سنتی کوهنوردی دارند. با وجود این، نسل جدید این سکونتگاه (متولدین دهه ۱۳۷۰ ه.ش به بعد) به پوشش مدرن و لاکچری جهت کوهنوردی تمایل دارند (مشاهده میدانی نگارنده، ۱۴۰۰).

یکی دیگر از ورزش‌های دهه ۱۳۹۰ ه.ش در روستای گچگران، سوارکاری است. سوارکاری به مثابه بخش عمده‌ای از فرهنگ و هویت ایل ممسنی است. اگرچه سوارکاری در دوره حکمرانی خوانین (تا قبل از اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ ه.ش) توسط طوایف مختلف ممسنی در راستای سلحشوری کاربرد داشت، ولی طی گذار زمان به یک حرفه ورزشی در اقصی نقاط شهرستان ممسنی تبدیل شد. این ورزش در دهه ۱۳۹۰ ه.ش بیش از پیش مورد عنایت برخی از ساکنان گچگران قرار گرفت، به طوری که جوانان (اعم از مردان و بانوان) این روستا به راه‌اندازی اصطبل‌های مخصوص پرورش اسب و مشارکت فعال در کورس فنوتیب (اسب‌های پر قدرت جنوب کشور) و مسابقات پیست سوارکاری ایلدخت (دیمه‌میل) روی آوردند و به کسب مقامات و عناوین برتر نائل آمدند. در این چارچوب، کارشناسان سوارکاری این سکونتگاه تأثیر بسزایی در پرورش و تربیت اسب داشته و با ارائه نقطه‌نظرات و دانش خود به چابک‌سواران، زمینه پیروزی آنها و کسب مقام شهرستانی را فراهم ساخته‌اند. شایان ذکر است که ورزش‌های رزمی در اواخر دهه ۱۳۹۰ ه.ش مورد توجه ورزشکاران گچگرانی قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که سکونتگاه گچگران در عرصه‌های فرهنگی از ظرفیت‌های درخوری برخوردار است. شکوفاسازی این ظرفیت‌ها توسط نهادهای ذیربط در سطح روستای گچگران و شهرستان ممسنی می‌تواند به پویایی این زیستگاه بینجامد. علاوه بر این، برآیند مطالعات صورت گرفته و نتایج تحقیق نشان داد سکونتگاه روستایی گچگران متأثر

از عواملی همانند تغییر نگرش نسل جدید، افزایش سطح دانش ساکنان، نوسازی عمرانی - کالبدی، ورود فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دستخوش دگرگونی‌های عمده‌ای شده و به سوی نوسازی فرهنگی گام برداشته است. با توجه به اهمیت شاخص‌های فرهنگی در این سکونتگاه نظیر آداب و رسوم (صله‌رحم و اجتماعی بودن)، مراسم سوگواری (به ویژه ماه محرم)، اعتقادات مذهبی، ازدواج و طلاق، طبیعت‌دوستی، بازی‌های محلی، پوشش، غذا، مراکز آموزشی، گردشگری، بهداشتی و ورزشی راهکارهایی به منظور شکوفاسازی این ظرفیت‌ها ارائه می‌گردد:

۱. **پاسداشت صله‌رحم:** دهیاری روستای گچگران می‌تواند با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تبلیغات میدانی ساکنان این سکونتگاه را به حضور بیشتر در منازل یکدیگر و مناسبت‌های اجتماعی (شادی و شیون) در دوره پسا کرونا ترغیب سازد.

۲. **ساماندهی مراسم عزاداری ماه محرم:** علی‌رغم حضور خودجوش ساکنان گچگران در مراسم ماه محرم، هیأت امنای امام حسین و ابوالفضل این روستا می‌توانند به ارائه درخواست خود به دهیاری روستا بپردازند تا این دهیاری از طریق ارسال درخواست آنها به دفتر امام جمعه و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان ممسنی، ساماندهی مراسم عزاداری (اخذ بودجه برگزاری تعزیه، نصب بیرق‌های باشکوه، فیلم‌برداری حرفه‌ای، و غیره) این هیأت‌ها را عملیاتی سازد.

۳. **مدیریت سطح توقعات فرزندان در امر ازدواج و پیشگیری از طلاق:** با توجه به دگرگونی شرایط برگزاری ازدواج‌ها و افزایش سطح انتظارات نسل جدید (تمایل به سبک زندگی لاکچری)، نقش والدین در تبیین موضوع ازدواج برای فرزندان خود و مدیریت سطح توقعات (تعیین میزان مهریه، جهیزیه، مسکن، خودرو، طلا و غیره) و جهانی‌بینی آنها (تعارضات فرهنگ سنتی و مدرن، عواطف روحی و جنسی) می‌تواند نقش بسزایی در گزینش همسر مناسب داشته باشد. این در حالی است که همراهی مطلق برخی خانوارها با انتظارات نابجای فرزندان خود در امر ازدواج، صرفاً افزایش سطح توقعات، ایجاد چالش در زندگی زناشویی زوج جدید و متعاقباً طلاق را به همراه خواهد داشت.

۴. **پاسداشت پوشش سنتی در جشن‌های عروسی و پوشش مدرن در موقعیت رسمی:** پوشش سنتی زنان نماد فرهنگ و اصالت کهن آنان محسوب می‌شود. لذا، ترغیب زنان به استمرار چنین پوششی در جشن‌های عروسی و عید نوروز باعث حفظ این نماد فرهنگی خواهد شد. از سوی دیگر، برخورداری زنان و مردان از پوشش مدرن در مهمانی‌ها، بازار و جشن تولد در ایجاد پرستیژ و منزلت اجتماعی برای ساکنان نقش بسزایی خواهد داشت.

۵. **تأسیس پارک تفریحی و بازی‌های محلی:** با توجه به علاقه درخور ساکنان گچگران به طبیعت‌گردی، راه‌اندازی مراکز تفریحی نظیر پارک و فضای سبز می‌تواند در شادزیستی کودکان و آرامش روحی و روانی ساکنان این سکونتگاه نقش داشته باشد. علاوه بر این، با توجه کوهنوردی ساکنان این سکونتگاه در کوهستان گودسفید، تأسیس یک پل هوایی یا اجرای طرح زیرگذر و روگذر (در ورودی ضلع شرقی روستای گچگران) از سوی اداره راه شهرستان ممسنی به منظور جلوگیری از هرگونه حادثه دلخراش برای کوهنوردان ضروری است. از سوی دیگر، دهیاری روستای گچگران می‌تواند

برخی بازی‌های محلی سنتی را در چارچوب یک جشنواره در مجموعه ورزشی کارگران این روستا برگزار و جوایز نفیسی به نفرات برتر اعطا نماید.

۶. تأسیس کتابخانه و مقطع دبیرستان: با توجه به وجود نخبگان علمی و آکادمیک در سکونتگاه گچگران، درخواست دهیاری (همراه با امضاء نخبگان مقطع تحصیلات تکمیلی) به اداره فرهنگ و ارشاد و اسلامی شهرستان ممسنی می‌تواند زمینه را برای تأسیس یک کتابخانه در این سکونتگاه هموار سازد. از سوی دیگر، چانه‌زنی دهیاری با اداره آموزش و پرورش شهرستان ممسنی برای تأسیس مقطع دبیرستان در روستای گچگران نقش بسزایی در رفاه حال دانش‌آموزان خواهد داشت و سکونتگاه‌های مجاور گچگران نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. رایزنی مدیران مدارس مقطع دبستان و راهنمایی گچگران با اداره آموزش و پرورش ممسنی در راستای جذب دبیران صاحب دانش، معرفی دانش‌آموزان نخبه و مشارکت آنها در مسابقات شهرستانی می‌تواند به شکوفایی علمی این مدارس منجر شود.

۷. برجسته‌سازی تحصیلات به عنوان زیربنای قشربندی اجتماعی: با توجه به تغییر و تحول در مبانی قشربندی اجتماعی سکونتگاه گچگران طی هر دوره تاریخی، تأکید خانوارها بر تحصیلات فرزندان خود نقش بسزایی در ایجاد شأن و منزلت اجتماعی خواهد داشت. اگرچه با توجه به تنگناهای اقتصادی، شاخص ثروت به مبنای اصلی قشربندی اجتماعی طی دهه ۱۳۹۰ه.ش تبدیل شد، ولی اخذ تحصیلات آکادمیک (در رشته‌های کارآمد) که به کارآفرینی و شغل درخور بینجامد، افراد را در چارچوب اقشار برخوردار از شأن و پرستیژ اجتماعی قرار خواهد داد.

۸. حفظ مقر پایگاه مقاومت بسیج: با توجه به انتقال پایگاه مقاومت شهید مدنی گچگران به روستای سهلکی طی یک برهه زمانی کوتاه، فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی این پایگاه در روستای گچگران با رکود مواجه شد، ولی با پیگیری دهیاری و هیأت امنای مسجد گچگران این پایگاه مجدداً در روستای گچگران مستقر شد. حفظ پایگاه مقاومت شهید مدنی در روستای گچگران زمینه را برای برگزاری مجدد یادواره شهدا و همچنین تزریق بودجه و امکانات به ورزشکاران این روستا جهت حضور در مسابقات شهرستانی فراهم خواهد کرد.

۹. جذب نیروهای مجرب در خانه بهداشت و درمانگاه: ارائه درخواست دهیاری روستای گچگران به شبکه بهداشت شهرستان ممسنی مبنی بر جذب بهورز در خانه بهداشت روستای گچگران و استقرار پزشک مجرب در درمانگاه شهرک گچگران، کیفیت خدمات‌رسانی این نهادها را دوچندان خواهد کرد.

۱۰. تکمیل مجموعه ورزشی کارگران: با توجه به قرار گرفتن مجموعه ورزشی کارگران روستای گچگران در فهرست مراکز ورزشی شهرستان ممسنی، تکمیل پروژه‌های این مجموعه ورزشی نظیر سالن کشتی حائز اهمیت است. با توجه به کلنگ‌زنی این سالن ورزشی از سوی نماینده سابق شهرستان ممسنی، دهیاری روستای گچگران با پیگیری از اداره تربیت بدنی و اداره کار، رفاه و تعاون شهرستان می‌تواند زمینه آغاز به کار این پروژه را فراهم سازد. علاوه بر این، پیگیری

درخواست جوانان فوتبالیست این سکونتگاه از سوی دهیاری مبنی بر بازسازی چمن مصنوعی (فنس و پروژوکتور) و تجهیز امکانات سالن این مجموعه ورزشی (آب سردکن، سطل زباله، تور دروازه و غیره)، نقش بسزایی در ترغیب آنها به ورزش و پرهیز از انحرافات اجتماعی خواهد داشت.

منابع و مأخذ

- افراخته، حسن (۱۳۹۳)، *جغرافیای روستایی ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- اعظمی، هادی، حسینی، سید محمد حسین و صادقی، وحید (۱۴۰۱)، «دگرگونی‌های اقتصاد روستایی در پرتو اصلاحات ارضی؛ نمونه پژوهی: روستای گچگران از توابع بخش مرکزی شهرستان ممسنی»، *فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی*، دوره چهارم، شماره ۴.
- بزی، خدارحم (۱۳۸۶)، «تأملی بر فرهنگ و اثرگذاری آن در توسعه»، *فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی*، سال دوم، شماره ۴.
- پورقیومی، علی، رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا و پورطاهری، مهدی (۱۴۰۰)، «پدیدارشناسی مفهوم روستا از دیدگاه روستائیان، موردپژوهی: روستاهای سمغان و ملای انبار شهرستان کوه‌چنار»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره بیست و پنجم، شماره ۱.
- حسینی، سید محمد حسین (۱۴۰۰)، *دگرگونی‌های اجتماعی سکونتگاه گچگران*، مشهد: انتشارات ارسطو.
- سالنامه آماری (۱۳۹۵). *سرشماری نفوس و مسکن روستای گچگران*، مرکز آمار ایران.
- شرکت تعاونی تولید روستایی گچگران (۱۴۰۰)، *مجموع اراضی زراعی گروه‌های هشت‌گانه و متفرقه گچگرانی*، شهرستان ممسنی: شرکت تعاونی تولید گچگران.
- شمس‌الدینی، علی (۱۳۸۹)، «گردشگری روستایی راهکاری سازنده برای توسعه روستایی، نمونه موردی: روستای فهلیان»، *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، دوره بیست و نهم، شماره ۱۳۱.
- طاهری، قاسم (۱۳۹۶)، *بابامنیر: گذری بر تغییر و تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تا سال ۱۳۹۱*، تهران: انتشارات ماه و ما.
- ظهیری‌نیا، مصطفی و طاهری، قاسم (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی ازدواج در روستای بابامنیر نورآباد ممسنی»، *فصلنامه فرهنگ مردم ایران*، شماره ۴۸ و ۴۹.
- قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری (۱۳۶۲)، *تعریف روستا*، فصل اول، ماده ۲.
- محمودی‌نورآبادی، محمد (۱۳۹۵)، *مهرنجون*، تهران: انتشارات سوره مهر.
- مشاهده میدانی نگارندگان (۱۴۰۰)، *آداب و رسوم ساکنان گچگران*، شهرستان ممسنی: روستای گچگران.
- مشاهده میدانی نگارندگان (۱۴۰۰)، *نحوه برگزاری عروسی در تالارها*، شهرستان ممسنی: روستای گچگران.

مشاهده میدانی نگارندگان (۱۴۰۰)، وضعیت سوگواری ماه محرم در هیأت عزاداری گچگران، شهرستان ممسنی: روستای گچگران.

مصاحبه با رؤسای پایگاه مقاومت شهید مدنی گچگران (۱۴۰۰)، فعالیت‌ها و اقدامات پایگاه مقاومت شهید مدنی گچگران، شهرستان ممسنی: روستای گچگران.

مصاحبه با موی‌سپیدان روستای گچگران (۱۴۰۰)، اعتقادات مذهبی گچگرانی‌ها، شهرستان ممسنی: روستای گچگران. مصاحبه با موی‌سپیدان روستای گچگران (۱۴۰۰)، بازی‌های محلی، گردشگری، اماکن تفریحی و ورزشی روستای گچگران، شهرستان ممسنی: روستای گچگران.

مصاحبه با موی‌سپیدان روستای گچگران (۱۴۰۰)، سبک پوشش ساکنان روستای گچگران، شهرستان ممسنی: روستای گچگران.

مصاحبه با موی‌سپیدان روستای گچگران (۱۴۰۰)، مراحل ازدواج در روستای گچگران، شهرستان ممسنی: روستای گچگران.

مصاحبه با موی‌سپیدان روستای گچگران (۱۴۰۰)، مراکز علمی، آموزشی، بهداشتی و بهزیستی روستای گچگران، شهرستان ممسنی: روستای گچگران.

مصاحبه با موی‌سپیدان روستای گچگران (۱۴۰۰)، نوع غذا در روستای گچگران، شهرستان ممسنی: روستای گچگران. مصاحبه با هیأت امنای عزاداری روستای گچگران (۱۴۰۰)، پیشینه تاریخی هیأت عزاداری روستای گچگران، شهرستان ممسنی: روستای گچگران.

منشی زاده، رحمت‌اله و صادقی، مظفر (۱۳۸۹)، «تحولات فضایی روستاهای پیرامون شهر با تأکید بر تعامل روستا - شهری؛ مورد: روستاهای پیرامون شهر نورآباد ممسنی»، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، سال پنجم، شماره ۱۲، مودب، ساسان و حیدری، سلیمان (۱۳۹۶)، هریرز، شیراز: انتشارات زرگان پارس.

میرفتاح، سیدعلی اصغر (۱۳۵۶)، «منزلگاه‌های راه شاهی: منزلگاه گچگران»، فصلنامه بررسی‌های تاریخی، سال دوازدهم، شماره ۲،

Woods, M (2011): *Rural Geography, Processes, Responses and Experiences in Rural Restructuring*, Translated by Mohammad Reza Rezvani and Samet Farhadi, Tehran Press.
Haviland, W (1999), *Cultural Antropology*, Harcourt Brace College publishers, U.S.A.